



انتصابات و نمایش انتخاباتی  
صفحه ۴

تاریخ وحشتناک شرکت های داروسازی  
صفحه ۵

یادی از کوبا و شادباشی به فرمانده رائل  
کاسترو در نود سالگی اش صفحه ۸

تجدید حیات ایده آل سوسیالیست - جان  
بلامی فاستر صفحه آخر

مروری بر یک قرن مبارز و سرکوب  
صفحه آخر

درباره هویت آلترناتیو کارگری  
صفحه آخر

## به همراهی و پشتیبانی از کارگران اعتصابی بر خیزیم

## نه به انتصابات رژیم اسلامی

همراهی و پشتیبانی از کارگران اعتصابی جنبش کارگری ایران، بزرگترین نیروی اجتماعی متشکل با تاریخ صد سال در نبردهای پی در پی علیه نمایندگان سرمایه و انحصارات امپریالیستی سرنوشت ایران را بسود اکثریت عظیم مردم تعیین خواهد کرد نه صندوق رأی مهندسی شده انتصابات رژیم ارتجاعی ولایت فقیه. کارگران پالایشگاه تهران، کارگران پتروشیمی گچساران، آبی و چند شهر دیگر پس از اینکه معلوم شد حاکمیت در برابر خواست های بر حق آنها هیچگونه اقدامی نمی کند، بدرستی و کاملا حق طلبانه وارد کارزار نوینی شدند. این یک رخ داد مهم و تاریخی است که پس از برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران صورت می گیرد. قیمت

بنزین را سه برابر کردند ولی در این دو ساله قدرت خرید تولید کنندگان با توجه به تورم لجام گسیخته به نصف رسیده است. بعضی دانشمندان بورژوا چنین تبلیغ می کنند که کارگران صنایع پیشرفته چون وضع بهتری دارند و از امتیازاتی در مقایسه با کارگران دیگر برخوردارند، محافظه کارند و سر به زیر از حاکمیت تبعیت می کنند. پراکتیک و عمل معیار است. نادرستی این تئوری بافیها را کارگران در عمل مهر باطل می زنند. سال گذشته بازم چنین گفتند که در شرایط کرونایی مبارزات کارگری فروکش می شود اما واقعیت نشان داد سال ۱۳۹۹ سالی بازم پر هیجان تر در جنبش کارگری بود و نزدیک به دوهزار اعتصاب و اعتراض در سراسر ایران

نه به انتصابات ریاست جمهوری اسلامی ۲۸ خرداد امسال جمهوری اسلامی نمایشی از دروغ و فریب را در ادامه انتصابات گذشته تحت عنوان انتخابات ریاست جمهوری براه انداخته است. این بار بعلت نفرت عمومی جامعه از کل سیستم اجتماعی و ساختارها، سیاست ها، عناصر و نهادها، عملکردها و برنامه ریزی های رژیم، فضای شدت اعتراضی به این نمایش در جامعه شکل گرفته و گسترش یافته. تجربه انتخاباتی تا کنونی نشان داده است که در رژیم های سرمایه داری، انتخابات قادر به تغییرات اساسی به نفع توده های کار و زحمت نبوده و فریبی برای کسب مشروعیت از طریق رای گیری برای ادامه استثمار و ستم به کارگران و زحمتکشان است. صفحه ۲

## پیروزی آلترناتیو کارگری در پرو

## کنفرانس جی ۷ و گنبدگی سرمایه داری

پس از جدالی پنجاه ساله از زمانی که چه گورا جان خود را بی دریغ در مبارزه ای نا برابر برای انقلابی بسود کارگران و زحمتکشان فدا کرد بیش از نیم قرن میگذرد. سرمایه داران دست اندر دست سرمایه جهانی توانستند با سرکوب نیروهای چپ انقلابی و کلیه متحدان آنها چندین دهه به چپاول و غارت خود ادامه دهند. اما بحران ساختاری سرمایه جهانی، هرج و مرج غیر قابل وصف سیاسی در کشور امپریالیستی ایالت متحده آمریکا، ناتوانی کامل دولت های راست در آمریکای جنوبی بویژه در پرو شرایط را برای خیزش جنبش های چپ و سوسیالیستی بوجود آورده است. امروز سراسر آمریکا از جنوب تا شمال جنبش وسیع توده ای علیه انحصارات و دولت های

حامی آنها در حال رشد و گسترش است. پیروزی نماینده جنبش کارگران پرو کاستیو که همانند رهبر پیروزمند سابق بولیویا مورالس از محروم ترین قشر جامعه بومی پرویی برخاسته، نوید بخش چنین افق تازه ایست که موج توده های کارگری بر موج سرمایه داری با تمام اینکه از کلیه رسانه ها برخوردار است می تواند پیروز شود. حزب رنجبران ایران این پیروزی کارگران و زحمتکشان پرو را به آنها صمیمانه تبریک می گوید. پیروزی آنها برای کارگران ایران بسیار غنیمت است و نشانی است از خیزش عمومی جهانی برای پیروزی نیروهای چپ و کمونیست با تکیه به جنبش کارگری و کلیه نیروهای استثمار شده و ستم دیده. صفحه ۲

نشست جی ۷ شامل کشورهای بزرگ صنعتی: آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آمریکا، ژاپن و کانادا در انگلستان برگزار شد. این نشست که ۴۷ مین نشست بود به صورت سالیانه برگزار می شود و در یک دوره روسیه را هم به عنوان عضو پذیرفته بود. اقتصاد این کشورها بر اساس آمارهای اینترنتی ۶۰ درصد اقتصاد کل جهان را شامل می شود. بعد از این نشست جی ۲۰ است که در سطح بزرگتری برگزار می شود و با قطب بندی های بیشتری روبرو است. در نشست جی ۷ معمولا نماینده اتحادیه اروپا هم شرکت می کند و بدین مفهوم نماینده سیاسی-اقتصادی اروپا، آمریکا و ژاپن است. که سالیانه براساس وضعیت موجود سعی به هماهنگی سیاست های بین صفحه ۲



## همراهی و پشتیبانی از .... بقیه از صفحه ۱

توسط کارگران سازمان داده شد. هر روز که می گذرد بخصوص با شکست کامل حاکمیت و مفتضح شدن هر دو جناح اصلاح طلب و اصولی گرا در برگزاری یک مضحکه انتخاباتی، برای اکثریت عظیم مردم ستمدیده و استثمار شونده ایران معلوم می شود که تنها راه راستین رهایی انتخاب راه طبقه کارگر و آلترناتیو سیاسی آنست. نظام سرمایه داری جهانی دچار بحران همه جانبه ساختاریست، دیگر نه سیاستهای باصلاح کینزینی و نه نئولیبرالیستی که در این صد سال گذشته بکار گرفتند می تواند نجات دهنده باشد. نظام سرمایه داری ولایت فقیه ایران در سایه همین نظام جهانی ده ها برابر بیشتر دچار بحران ساختاریست در نتیجه کل جامعه را به لبه پرتگاه کشانده است. حاکمیت ایران مثل کلیه مرتجعان ضد مردمی خیال می کند با یکدست کردن خود می تواند جلو این بحران ساختاری را بگیرد. اصلاح طلبان شکست خورده و رانده شده؛ رهبرانشان باز هم برای گول زدن طرفدارانشان صحبت از "اصلاحات ساختاری" می کنند و همچنان برای نجات نظام خیالات واهی به رهبر بسته اند. آنها امروز برای گرفتن امتیاز از رهبری خطر انقلاب، جنبش کارگری و جنبش کمونیستی را به رخ می کشند. اما همانطور که زحمتکشان ایران در کف خیابان گفتند: "اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمام شد ماجرا".

اول ماه مه امسال آغازی شد برای گسترش و سازماندهی بازهم بیشتر و همه جانبه تر جنبش کارگری، ادامه اعتصابات کارگری در این دو ماه نشان دهنده تکامل اوضاع است. دیر یا زود کارگران دیگر به این راهپیمایی تاریخی کارگران ایران خواهند پیوست و در عمل و در صحنه مبارزه ای سراسری جنبش کارگری و دیگر جنبش های مترقی اجتماعی زنان، معلمان، دانشجویان را به یک آلترناتیو راستین انقلابی برای براندازی نظام ستمگر و دیکتاتوری مذهبی سرمایه داری تبدیل خواهند کرد.

به همراهی و پشتیبانی کارگران اعتصابی برخیزیم

به پیش برای شکل گیری همه جانبه یک آلترناتیو کارگری در ایران

حزب رنجبران ایران

۱/ تیرماه/۱۴۰۰

## نه به انتصابات رژیم... بقیه از صفحه ۱

علاوه بر آن رژیم اسلامی امسال با تعیین ۷ کاندیدایی که در چند دهه گذشته در ایجاد فقر و گرسنگی و بی حقوقی و سرکوب و شکنجه و اعدام و... نقش های درجه اول و اساسی داشته اند، و شوهای تلویزیون قصد گرم کردن تنور انتخابات را دارد. اما نهادهای مستقل کارگری، زنان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، روشنفکران، زندانیان سیاسی، مادران داغدار، جوانان بیکار، و خلاصه همه استثمار شده ها و ستم دیدگان با پیام ها و اعلامیه های خود بطور صریحی اعلام کرده اند بازی انتخاباتی بین بد و بدتر، انتخابات ما نیست، این انتصابات است و ما در آن شرکت نمی کنیم. آنها می گویند رای بی رای. شرایط بحران اقتصادی، بیکاری و گرانی، تورم و فقر، ناتوانی دولت در کنترل ویروس کرونا که سراسر جامعه را گرفته است، جان مردم را به لب رسانده است اعتراضات ۹۶ و ۹۸ عکس العمل کوچکی بود از جنایت و خیانت حاکمان به منافع عمومی مردم. این بار مردم در پشت کرد به صندوق های رای رژیم اسلامی سرمایه همان اعتراض را در اشکال دیگری انجام میدهند. ما از عدم شرکت مردم در نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و مبارزه فعال اعتراضی علیه آن حمایت می کنیم.

در برابر این نمایش انتخاباتی بشدت فریبنده، کارگران و زحمتکشان نیز راه و ابزارهای دموکراسی خود را دارند. ابزاری که حق انتخاب و انتخاب شدن، حق پرسش و تحقیق و بازخواست، حق عزل انتخاب شده ها توسط انتخاب کنندگان بطور مستقیم از بینادهای اولیه آن برای دخالت مستقیم مردم در قدرت سیاسی، برنامه ریزی و اجرا و کنترل، راستی آزمایی منتخبین است. این ابزار دموکراسی که در تجربه تاریخی جوامع بشری تا به حال بارها امتحان شده و برتری و دست آوردهای بزرگی را که برای بشریت بوجود آورده است، تثبیت کرده است، هیچ چیزی به جزء شوراهای کارگران و زحمتکشان نیست

نه به پارلمانتاریسم سرمایه داری

زنده باد شوراهای کارگران و زحمتکشان

نه به انتصابات رژیم جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب و سوسیالیسم

۲۵ خرداد ۱۴۰۰

حزب رنجبران ایران

## پیروزی آلترناتیو .... بقیه از صفحه ۱

ایران ما احتیاج به ایجاد یک گرایش چپ و کمونیستی یک آلترناتیو کارگری که در برگیرنده کلیه تشکلات و نهادهای کارگری، زحمتکشان، از کلیه ملیت ها، زنان و مردان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان... است کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در اول ماه مه مانیفست خود را چنین بیان کردند: با این چشم انداز علیه ظلم و بیداد می جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی هم پیمان میشویم و در کوره های ذوب آهن بر مشت های فولادین خود حک میکنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازماندهی و مبارزه طبقاتی بر نداریم.

حزب رنجبران ایران

## کنفرانس جی ۷ و .... بقیه از صفحه ۱

المللی خود دارند. در سال های گذشته آنها تصمیمات امنیتی هم گرفته اند. به زبان دیگر نشست جی ۷ شامل اعضای اصلی ناتو بعلاوه ژاپن است. این نشست که نماینده بزرگترین گروه بندی امپریالیستی جهان می باشد، تصمیمات خود را با ظاهری بشردوستانه و انسانی نسبت به اقتصاد و محیط زیست و غیره اعلام می کند ولی نتایجی که در عمل بدست می دهند خبر از ویرانی کشورها، ایجاد جنگ های داخلی خونین و دفاع از مرتجع ترین نیروهای تاریک تاریخی و دخالت علنی و آشکار و مستقیم و غیر مستقیم دارد. بطور مثال آنها از شراکت با کشورهای آفریقایی، کمک به سالم سازی محیط زیست، امنیت، تغییرات اقلیمی، خشونت بر علیه زنان و تساوی جنسی و امسال تمرکز بر دموکراسی و حقوق بشر سخن می گویند. امسال با تغییر دولت آمریکا و به روی کار آمدن بایدن و تغییر مسیر سیاست خارجی آمریکا از "اول آمریکا" به "همکاری با متحدین و دوستان آمریکا" در شکل ارائه تصمیم گیری ها نیز تغییراتی بوجود آمده است.

مدتهاست که مسئله قدرت گیری چین، سازمان همکاری شانگهای، بانک توسعه آسیا، منطقه اقتصادی اوراسیا و اتحاد بسیار نزدیک



نوع بسیار شکننده و موقتی خواهد بود. به همین دلیل جی ۷ آنچه که می گوید و آنچه را که بطور عملی قادر است انجام دهد کاملاً متفاوت و در بسیاری موارد غیر عملی می باشد و فقط شکل تبلیغاتی دارد. نمونه آن مسئله سوریه و افغانستان و حتی عراق است که با تمام تلاش غرب و براه انداختن گروه های اسلامی و دادن پول و اسلحه نتوانستند کار را یکسره کنند و در برخی مناطق با تمام ویرانی که به بار آوردند کاری از پیش نبردند.

کنفرانس جی ۷ در کورنوال انگلستان بایستی با توجه به خطرات و امکانات غرب برای درهم شکستن محور چین و روسیه فکری بیاندیشد. اما سرمایه داری بسیار تنگ نظرانه فقط این تضاد را می بیند.

نیروی دیگری در راه است. و آن مبارزه کارگران و زحمتکشان جهان برای رهایی از یوغ ستم و استثمار و بهره کشی است. نیرویی که دارای تجربیات پر باری از شکست ها و پیروزی هاست. بحران سرمایه داری و رقابت های افسار گسیخته، جوامع انسانی را برای مردم جهان به جهتی رانده است که در سر دو راهی ادامه بربریت سرمایه داری و یا سوسیالیسم راهی دیگر در برابر خود نمی بیند. کنفرانس هایی از دست جی ۷ و جی ۲۰ حداکثر توطئه و برنامه ای را که می توانند به پیش ببرند به تاخیر انداختن مرگ محتوم سرمایه داری است. روند رو به شتاب بیش از پیش جهان در همه عرصه ها حتی رهبران و اتاق های فکر سرمایه داری را هم ناتوان کرده است. تنها طبقه کارگر جهانی است که با این روند شتابان همگام پیش می رود و نقش گذار از آن را ایفاء خواهد کرد. در این روند کنفرانس هایی نظیر جی ۷، کنفرانس سران امپریالیست ها برای برنامه ریزی علیه رقبا و مردم جهان تأثیری زود گذر و مخرب خواهد داشت.

ع.غ

از دستاوردهای علمی و اقتصادی چین نشان از جهش و جلو افتادن از غرب دارد از جمله ایجاد یک ایستگاه فضائی به تنهایی در فضا، فرود بر سطح تاریک کره ماه و به تازگی فرود بر سطح مریخ و تولید پر سرعت ترین ابر کامپیوترهای جهان. مدتی است که دولت چین لحن دیپلماتیک خود را علیه مخالفینش در جی ۷ تغییر داده است و دیگر سکوت و مماشات دیپلماتیک را با مخالفینش نمی پذیرد. فضای رقابت در همه عرصه ها تنگتر و تقابل و تنش ها رو به گسترش است. آنها در حال فشار هر چه بیشتر در دریای سیاه به روسیه و نزدیک شدن به مرزهای بین المللی آن از طریق مانورهای نظامی هستند. تحریک استقلال طلبان تایوان، بزرگ کردن مسئله دموکراسی در هنگ کنگ، بزرگ کردن مسئله اویغورهای چین و تاکید بر مسئله اسلام، فشار دیپلماتیک نظامی در دریای جنوبی چین، تلاش برای ایجاد پایگاه در تاجیکستان و قزاقستان و... از جمله فعالیت هایی است که غرب پیگیرانه در برابر فعالیت های چین و روسیه در مسئله راه ابریشم و اوراسیا در پیش گرفته است.

با شدت گرفتن این رقابت ها که در ادامه کشاکش آمریکا و چین بر سر مناسبات اقتصادی شکل تازه ای به خود گرفته است و نیز ترس از بوجود آمدن بحران های دوره ای سرمایه داری دیگری (که تجربه ۲۰۰۸ نشان داد که چین قادر شد آنرا بدون هزینه پشت سر بگذارد) برای غرب کابوسی است که می تواند رهبری جی ۷ را برای همیشه بر ساختارهای جهانی که طی بیش از یک قرن بوجود آورده اند از دست بدهد.

آمریکا و اروپا نیز دیگر نمی توانند مناسبات خود را در دوره جنگ سرد تعریف کنند. آنها مدت ها است که از آن دوران فاصله گرفته اند اتحادیه اروپا با ایجاد یورو و ایجاد بازار اروپایی و ارتش اروپایی دیگر رهبری آمریکا را بر خود نمی پذیرد در عین حال آمریکا برای اینکه مجدداً سلطه خود را بر جهان بمثابه سرکرده گرایی تعریف کند مجبور است در قدم اول رقبای پر قدرتی مانند چین و روسیه را کنار بزند تا بتواند مجدداً اروپا را به زیر هژمونی خود بکشد. این راه درازی است که هیچ چشم انداز روشنی بر آن متصور نیست. این شرایطی است که اجازه نمی دهد که آمریکا بدون توافق اروپا کاری کند. تجربه عراق شکست آمریکای بدون اروپا را در درگیری های گوناگون در سرتاسر جهان بعد از جنگ سرد، آنرا نشان داده است. اما این توافقی از

چین و روسیه و نفوذ و رشد روزافزون این دو قدرت در اقتصاد و سیاست جهانی و از دست رفتن هژمونی غرب بر سرمایه داری و کنترل سیاسی جهان به موضوعی حاد برای سرمایه داری غرب و آمریکا و ژاپن تبدیل شده است. در این بین چین بعلاوه قدرت اقتصادی شتابانیش بیش از پیش به سدی در برابر گسترش سرمایه داری غرب تبدیل شده است. درآمدهای هنگفت شرکت های غربی که هر روزه بیشتر و بیشتر می شود هم نتوانسته که جلوی از دست رفتن این رهبری را بگیرد.

عملکرد گذشته غرب که همیشه و بطور مداوم مملو از غارت منابع طبیعی، ثروت ها، منابع انسانی، سرکوب کشورهای، ملت ها، در گذشته انهدام بسیاری از ملیت ها و، ایجاد مرزهای مصنوعی و دخالت در کشورهای جهان، براه انداختن کودتاهای خونین، قتل عام های بزرگ حتی در همین ۳ دهه گذشته در آفریقا، جلوگیری از رشد طبیعی کشورها بوده است آنچه در افکار عمومی جهان از آنها تنفیری بوجود آورده است که حتی پرچم های دموکراسی و حقوق بشر و حمایت از کشورهای ضعیف هم دیگر نمی تواند ملت ها را بفریبد. افکار عمومی در بین ملت ها (اساساً طبقات فرودست) و دولت هایی که بخاطر کسب حقوق داخلی و بین المللی تلاش می کنند، موقعیتی بوجود آورده است که شمشیر غرب را بعنوان دامکوس کاملاً کند می کند. تجربه نشان داده است که غرب هر کاری را که علیه ملت ها انجام داده است با افکار سازی و دروغ پراکنی و شایعه شروع کرده است.

جالب توجه است وقتی هنوز انتخابات آمریکا با آن وضع آبروریزانه برای دموکراسی غربی به پایان نرسیده است که جی ۷ و آمریکا با پرچم دموکراسی و حقوق بشر و دفاع از انتخاب مردم سخن می گویند. ولی دیگر قادر نیستند که رقابت اقتصادی نظامی و متعاقباً سیاسی آشکار خود را با چین و روسیه بپوشانند. در چند سال گذشته ناتو و بویژه آمریکا بطور دائم نیروهای خود را به مرزهای روسیه نزدیک و نزدیکتر کرده اند همزمان آنها اعلام کرده اند که باید جلوی رشد اقتصادی چین را گرفت، در حالیکه سازمان ملل می گوید باید به کشورها برای رشد اقتصادیشان کمک های انسانی و اقتصادی در اختیارشان گذاشت. منظور از آوردن این موضع علنی شدن مواضع جی ۷ بدون در نظر گرفتن مقررات بین الملل است

اما چرا در این دوره آنها این چنین بی پروا علیه چین و روسیه سخن می گویند. برخی

بجز نوشته های که با افسار  
تصریریه منتشر می گردد و بیانگر  
نظرات

حزب رنجبران ایران را بر ما باشد  
دیگر نوشته های مندرج در نشریه  
رنجبر به افساها را فرد را است و  
مسئولیت آنها با نویسندگان است  
مر باشد.





## انتصابات و نمایش انتخاباتی

انتصابات یا نمایش انتخابات در ایران دوره سیزدهم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران به پایان رسید از بین بیش از ۵۰۰ نفر داوطلب پست ریاست جمهوری شورای نگهبان ۷ نفر را دارای صلاحیت دانست و اجازه داد که به بازی انتخاباتی رژیم بپیوندند. بررسی زندگی نامه های این هفت نفر نشان می دهد که تمامی این هفت نفر با سایه و روشن هایی از کادرهای قبلی رژیم در ارگان های مختلف سرکوب نظامی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی علیه اساسا مردم کارگر و زحمتکش ایران هستند. در بین این کاندیداها ابراهیم رئیسی از بقیه بی آبروتر است دلیل آن هم دستور قتل عام زندانیان سیاسی و حکم اعدام حداقل ۵۰۰ نفر در سال ۱۳۶۷ است. انتخابات در طی ۴ دهه حاکمیت جمهوری اسلامی شکل وارونه و عقب مانده ای از یک انتخابات بورژوازی است. رژیم در ۱۳ دوره گذشته با ترفندهای مختلف تلاش داشته است که از مردم رای بگیرد این رای گرفتن از رشوه دادن در بالا، براه انداختن سفره های رنگین میهمانی و پارتی بازی فامیلی، میوه و شیرینی پخش کردن، وعده و وعیدهای دروغ در جهت رفاه و باز کردن درهای جامعه در جهت آزادی های فردی و اجتماعی و مبارزه با فساد و غیره و حملات شخصی بی محتوا و کاملا صوری به یکدیگر در جهت تخطئه "رقیب" را شامل می شود. در این بازی انتخاباتی که خودی های رژیم هم آنرا مهندسی انتخابات می نامند و این را پنهان نمی کنند که خود بخشی از این بازی مهندسی شده هستند هیچ عنصر از تغییر و تحول و داشتن برنامه مستند و متحول کننده ای، وجود ندارد. سازمان های کمونیستی و رادیکال جامعه از اولین انتخابات تا به امروز گفته و نوشته اند که انتخابات، نه تلاش برای حتی به روی کار آوردن کادرهای توانمندتر سرمایه داری اسلامی برای نجات از بحران و تورم افسار گسیخته کنونی بلکه صرفا برای کسب مشروعیت رژیم در جهت ادامه وضع موجود با استفاده از افراد و عناصر سرکوبگرتر مختلف قدیمی و حتی نه جدید در اداره دستگاه دولتی است. در رژیم جمهوری اسلامی یک تو در توی مافیایی قدرت وجود دارد که اتفاقا اکثرا روابط خویشاوندی و فامیلی دارند. تنها کسانی به این دایره مافیایی قدرت در بین عناصر رژیم اعتراض کرده اند که خود

از طرف آنها حذف و طرد شده و به بازی گرفته نشده اند. در تمامی این انتخابات نه تنها کارگران و زحمتکشان هیچ نماینده ای حتی در سطح کاندیداتوری نداشته اند بلکه رژیم هر دوره سعی کرده است که نسبت به دوره گذشته بیش از پیش به حذف اصلاح طلبان و خودی ها اقدام کند. با هر انتصاباتی دایره قدرت تنگتر و حکومت شکل فاشیستی تری به خود گرفته است. در اولین "انتخابات" رژیم اسلامی خمینی گفت جمهوری اسلامی یک کلمه نه کم و نه زیاد و در ورقه های رای گیری نوشته شده بود جمهوری اسلامی آری و نه و با این شیوه رای گیری سنت ضد دموکراتیک رای گیری رژیم اسلامی را به مردم تحمیل کرد. که تا به امروز ادامه دارد. سالیهای زیادی طول نکشید که اکثر مردم پی آمدهای این نحوه انتصابات تحت عنوان انتخابات را در سفره های خود که هر روز خالی تر می شود، ببینند. رژیم اسلامی با برپایی اولین انتخابات ضد دموکراتیک خود از روز اول حق انتخاب مردمی را که از قدرت مطلقه شاه و نمایندگان فرمایشی مجلس شورای ملی و نخست وزیران دست آموز شاه نجات پیدا کرده بودند به سیستم دیگری از انتصابات آنهم تحت هدایت ولایت مطلقه فقیه فرو برد. از آن زمان تمامی انتخابات رژیم اسلامی گذشته از تعداد شرکت کنندگان کاملا نمایشی و مهندسی بوده و مخالفان حتی خودی نزدیک هم در روند حذف فزاینده بوده اند. طبقه کارگر ایران این سیر و روند ضد دموکراتیکی را که با حکم خامنه ای مبنی بر اصل استصوابی به کنترل کامل دایره قدرت و به ضدیت فاشیستی تری علیه اکثریت فرودست جامعه تبدیل شده بود، خوب می فهمید به همین دلیل قدم به قدم خود را از این نمایش دولتی جدا کرده و به صراحت با آن مخالفت نمود. آخرین اطلاعیه های تشکلات مستقل کارگری از بی ربطی انتخابات نمایشی با منافع کارگران سخن می گویند. اما مسئله انتخابات برای کارگران و زحمتکشان بخش کوچکتی از تضاد پایه ای سیستمی است که با آن روبرو هستند. مشکلات کارگران در ایران صرفا مربوط به انتخابات های ضد دموکراتیک رژیم سرمایه داری اسلامی نیست. طبقه کارگر با کل سیستم سرمایه داری که بر اساس ستم و نابرابری و بشدت استثمارگرانه گذاشته شده است ضدیت پایه ای و اساسی دارد. سیستم استصوابی، انتصابی و ضد دموکراتیک و ضد منافع مردم فرودست و زحمتکش جامعه



در اولویت قرار دادن سود شرکتها بر سلامتی مردم را دارند. تولیدات این شرکتهای داروئی از بزرگترین و سود آورترین تولیدات در جهان است. بسیاری از شرکت های انفرادی که « غول داروسازی عظیم » را تشکیل می دهند بیش از اکثریت کشورهای کره زمین از درآمد نجومی سالانه برخوردار هستند. به عنوان مثال، قضاوت نسبت به درآمد شان، جانسون و جانسون حتی از کشورهای ثروتمندی مانند نیوزیلند و مجارستان ثروتمند ترند. درآمد شرکت غول پیکر فایزر از کویت یا مالزی نفت خیز بیشتر است.

مادرنا را کنار بگذارید، که در حال حاضر هیچ محصولی ارائه نداده، شش شرکت غول پیکری که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفتند، در سال گذشته ۲۶۶ میلیارد دلار درآمد کسب کردند، ۴۶ میلیارد دلار سود خالص داشتند. این ارقام را در مقایسه با برنامه بی سابقه هزینه های عمومی ایالات متحده برای تولید واکسن، که می تواند به ۱۸ میلیارد دلار برسد، در نظر بگیرید، اما در حال حاضر حدود ۱۱ میلیارد پوند است که بیشتر این مبالغ به شرکتهای ثروتمند تعلق یافته که در این بخش شرح داده شده است.

بسیاری از مفسران به کار برخی از این شرکتها در سال ۲۰۲۰ نگاهی انداخته اند - تولید واکسن با سرعتی فوق العاده خطرناک - و نتیجه می گیرند که مشکلات با این شرکتهای غول پیکر دارو هر چه باشد، آنها توانستند تقریباً کالاها را به بازار تحویل دهند.

اما، این به این دلیل است که بسیاری از عناصر مهم توضیحات به فراموشی سپرده شده است، اگر این عناصر با هم جمع شوند نشان میدهد که مدل دارویی فعلی واقعاً دارای نقض جدی است، چرا که تنها تلاش آنها به منظور افزایش سود سهام داران خود می باشد و نه سلامت میلیونها جمعیت سالم. تر. پیگیری برای افزایش سود هر چه بیشتر باعث وحشتناک ترین رفتارها علیه خواستها و سلامت شهروندان شده است.

مواردی را که بررسی می کنیم شامل شرکتهای غول پیکر زیر می باشد:

گلکسو اسمیت کلاین (۱)، کمتر از ده سال پیش با ۳ میلیارد دلار جریمه نقدی محکوم شد، زیرا اعتراف کرد که به پزشکان در ایالات متحده آمریکا با دادن امتیازات مالی و غیره آنها را وادار به تجویز داروهای نامناسب ضد افسردگی به کودکان کرده است. پزشکان و همسران آنها به هتل های پنج ستاره،

بدون رهبری یک انقلاب قهرآمیز تحت رهبری آگاه ترین عناصر متشکل طبقه کارگر برای درهم شکستن رژیم جمهوری اسلامی و هر رژیم سرمایه داری دیگر و بر پای سوسیالیسم امکان پذیر نیست.

طبقه کارگر بر طبق تجربیات خود، شکست انتخابات بورژوازی و پارلمانتاریستی، آلترناتیو سیستم دموکراتیک شوراهای کارگران و زحمتکشان جامعه و کنترل از پائین منتخبین خود را دارند. شوراهای کارگران و زحمتکشان که اکثریت عظیم توده های مردم را تشکیل می دهند، آن ابزاری هستند که می توانند اکثریت توده های مردم را بصورت مستقیم در قدرت سیاسی تصمیم گیری و برنامه ریزی و اداره جامعه شرکت بدهند. هیچ قدرتی بالای جامعه در جهت تامین مالکیت خصوصی و بدست گرفتن ابزارهای تولید جامعه وجود نخواهد داشت. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه با استفاده از شوراهای خود اولین قدم را در راه بدست گیری کامل جامعه و رهایی کل جامعه از ستم و استثمار و فرد از فرد برخوردار داشت.

## تاریخ وحشتناک شرکت های داروسازی

تاریخ وحشتناک شرکتهای غول پیکر دارو سازی (بیگ فارما)

خوانندگان عزیز رنجبر، این مقاله افشاگر شرکتهای غول پیکر داروئی در ایالات متحده و اروپا است که نگارندگان این مقاله، دکتر جیمز انجل و نک دیردن (در سایت تحقیقات جهانی) منابع زیادی را در مقاله شان ذکر کردند که در صورت نیاز می توانید به مقاله مربوطه رجوع کنید.

بررسی مهمی توسط اکنون عدالت جهان. « چرا ما نباید اجازه دهیم شرکتهای غول پیکر داروئی در کنترل ویروس کووید - ۱۹ به مردم پاسخ گو نباشند »

هر راه حل طولانی مدت به منظور جلوگیری از این ویروس کشنده کووید - ۱۹ باید شامل کشف و توزیع عادلانه یک واکسن مؤثر و گزینه های درمانی باشد. با این حال، دولت ها در سراسر جهان مسئولیت راه حل های کووید - ۱۹ را به شرکتهای غول پیکر داروئی می دهند، آنها سابقه خطرناک و طولانی مدت

دیگر واگذار نمی کند این قانون اجتماعی بارها در ایران در عمل اجتماعی درستی خود را نشان داده است. توهم اینکه شرکت در این انتخابات و جدا سازی کاندیداها یعنی انتخاب برای آینده ای بهتر همیشه به ادامه و یا بدتر شدن وضع موجود منجر شده است. بویژه اینکه امروز رژیم اسلامی به وضعی رسیده است که مسئول قوه قضائیه را به جانی و قاتلی سپرده است که در هیئت مرگ بوده و امروز در تلاش برای تشکیل هیئت دولتی است که بی شباهت به هیئت مرگ گذشته اش نخواهد بود.

با تمام این احوال رژیم کارت های مختلفی را در این نمایش انتخاباتی بازی کرد تا بتواند بیشترین ها را به پای صندوق های رای بکشد. اما این بار تعداد بسیار محدودی به این خواست رژیم جواب مثبت دادند... ۱- نیروهای امنیتی ۲- کسانی که منافع مشخص اقتصادی - اجتماعی خود را در این حکومت می بینند ۳- افراد ساده لوح و قشرهای عقب مانده جامعه. رژیم اسلامی می داند که تقابلات بزرگ طبقاتی در راه است و تمام سعی خود را انجام داد که به یک دست شدن حکومتی نزدیک شود و به استحکام درونی که در حال ضعیف تر شدن است دست پیدا کند. اما نتیجه انتخابات و شعبده بازی که بر سر مسئله لاریجانی درآوردند هم نتوانست همچون فریب کاریهای گذشته برایشان رای آور باشد. اما فاصله گرفتن مردم از این انتخابات تنها فاصله گرفتن از یک حکومت سرکوبگر و دزد و فاسد نیست بلکه این اعلام رای برای سرنگونی این حکومت است. همه جا در داخل و خارج کشور اعلام " رای من سرنگونی "، " نه به کلیت رژیم جمهوری اسلامی "، " از بس دروغ شنیدیم دیگه رای نمی دیم " و نه صرفاً طرد کردن بلکه در برابر ایستادن این حکومت و به مبارزه رودرو با آن برخاستن است. انتخابات سرمایه داری در همه جای دنیا انتخابات بین بد و بدتر است و به قول معروف از این دست انتخابات هیچ تنوری برای کسی گرم نمی شود. کارگران و زحمتکشان که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند؛ خواهان انتخاب دوره ای نمایندگان گوناگون سرمایه داری برای حاکمیت بر خود نیستند. کارگران خواهان حکومت خود و نفی استثمار و ستم از طریق شوراهای کارگری و برقراری یک جامعه سوسیالیستی هستند که در آن محور انتخابات نه فریب و سود بلکه یکی در خدمت همه و همه در خدمت یکی باشند. و این مهم



با پرداخت ۷۵۰ دلار پول نقد و دسترسی به غواصی، گلف و ماهی گیری در اعماق دریا منتقل می شدند. این شرکت هم چنین مقاله ای در ژورنال پزشکی منتشر کرد که به طرز گمراه کننده ای در مورد ایمنی بودن این دارو برای کودکان توضیح می دهد، و سپس با استفاده از این تبلیغ سعی در جا انداختن هرچه بیشتر داروی مضر خود شد.

گلکسو اسمیت کلابین هم چنین در انگلیس به دلیل پرداخت به تولید کنندگان داروهای عمومی (جنریک) به منظور ایجاد تأخیر در این دارو ها به بازار جریمه شده است، و قیمت دستگاه استنشاق کننده آسم را تقریباً ۱۸ درصد در بازار ایالات متحده افزایش داد تا جائیکه قیمت تا ۳۰۰ دلار در ماه افزایش داده شد که به این شرکت جنایتکار داروئی کمک کرد تا ارزش این شرکت را به ۱۰۰ میلیارد دلار برساند.

فایزر با ۵۲ میلیارد دلار درآمد و ۱۶ میلیارد دلار سود در سال گذشته، در زمره سود آور ترین شرکتهای جهان در سال گذشته قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳ یک بررسی موردی یک نمونه کوچک از چگونگی رسیدن به این موقعیت را نشان داد. فایزر و توزیع کننده آن در انگلیس، فلین، قیمت داروی ضد بیماری سرع را که ۴۸ هزار نفر بیمار در انگلیس به آن متکی بودند، افزایش داد.

در نتیجه، هزینه سازمان "خدمات بهداشت ملی" برای کپسول ها از حدود ۲ میلیون پوند در سال ۲۰۱۲ تا ۵۲ میلیون پوند در سال ۲۰۱۳ با افزایش بسته های ۱۰۰ میلی گرمی دارو از ۲.۸۳ پوند به ۶۷.۵۰ پوند، افزایش یافت، قبل از اینکه در ماه می به ۵۴ پوند کاهش یابد. بطور کلی عمده فروشان و داروخانه های انگلیس با افزایش قیمت ۲۳۰۰ درصد تا ۲۶۰۰ درصد روبرو شدند.

در ضمن، آزمایش شرکت فایزر در مورد داروهای جدید آژ۲۰۱۳ تا به امروز به ۶۲ میلیارد دلار رسید. افزایشی در طی شیوع مننژیت در کانو، نیجریه شرکت را به مدت بیست سال با ادامه کاری (سود دهی) مشغول کرد و گزارش شده که الهام بخش رمان « باغبان ثابت » از جان لوکر است. فایزر داروی جدیدی را در طی شیوع مننژیت جدی و وخیم آزمایش کرد.

اما یک کارمند ادعا کرده است که محاکمه فایزر قوانین اخلاقی را نقض کرده است و متعاقب آن در سالهای بعد چندین پرونده قضایی در نیجریه و ایالات متحده آغاز شده است، با این مطالبات که رضایت والدین را

جلب نکرده اند چون آنها را متوجه نکرده بودند که فرزندان آنها در بخشی از آزمایشات تجربی قرار گرفتند. سرانجام، فایزر موافقت کرد که مبلغ ۷۵ میلیون دلار به دولت کانو بپردازد و هم چنین مبلغ ۱۷۵۰۰۰ دلار به والدین چهار کودک مبتلا در دادگاه بپردازد البته، منوط بر اینکه هرگونه تخلف را انکار کند.

در سال ۲۰۱۳ شرکت داروئی گلید با انتقادات گسترده ای نسبت به قیمت گذاری داروی جدید هپاتیت سی (و درمان احتمالی کووید - ۱۹)، به نام سووالدی مواجه شد، که برای یک دوره ۱۲ هفته ای با ۸۴۰۰۰ دلار به بازار ایالات متحده عرضه شد. تحقیقات کمیته سنای ایالات متحده به این نتیجه رسید: « این همیشه برنامه حساب شده شرکت داروئی گلید بود که سود خود را به حد اکثر برساند و دسترسی و مقرون به صرفه بودن هرگز در دستور کار این شرکت نبوده. » داروی بعدی شرکت داروئی (هپاتیت سی) گلید، به نام هاروانی را ۹۵۰۰۰ دلار قیمت گذاری کرد، پس از انتشار این دارو ها، سود شرکت داروئی گلید پنج برابر شد و به ۲۱.۷ میلیارد دلار رسید. در واقع با داروهای هپاتیت سی فروش این شرکت از سال ۲۰۱۳ تا به امروز به ۶۲ میلیارد دلار رسیده است.

در حالیکه، شرکتهای داروئی معمولا ادعا می کنند که برای جبران هزینه های بالای تولید، قیمت های بالا ضروریست، این نوع ادعا در مورد داروی سووالدی مضحک به نظر می رسد. به گفته پروفیسور جفری ساکس، شرکت داروئی گلید ممکن است مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار برای تحقیق و توسعه این دارو هزینه کرده باشد، این رقمی است که فقط در طول چند هفته فروش در ایالات متحده جبران می شود. گروه حامیان آمریکائی برای عدالت مالیاتی، با توهین به این شرکت، آنرا متهم کردند که با انتقال برخی از داروهای اختراعی خود به ایرلند، با کاهش ۱۰ میلیارد دلار بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، دوره ای که سود این شرکت از هپاتیت سی افزایش یافته بود، مالیات خود را به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داده است.

بزرگترین شرکت دارو سازی در جهان، جانسون و جانسون، در سال گذشته ۸۲ میلیارد دلار درآمد داشت که ۱۵ میلیارد دلار آن سود خالص بود. این شرکت هفتمین شرکت سودآور در ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ بود و در زمره ۳۰ شرکت از سودآور ترین شرکتهای جهان بود. شاید

تعجب آور نباشد چون این شرکتها به خواست خود قیمت داروها را بدون نظارت هیچ مقام دولتی افزایش میدهند. به عنوان مثال، بین سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ این شرکت ۱۹٪ داروی سرطان لوکیمیا و پروستات را افزایش داد، هم چنین ۱۶٪ قیمت داروی اچ آی وی را افزایش داد.

جانسون و جانسون حق ثبت اختراع بداکوئیلین را دارد - یکی از تنها سه داروی جدید سل که طی بیش از ۵۰ سال تولید می شود. اما، علیرغم سرمایه گذاری توسط شهروندان (عموم) و یارانه های داروئی که پنج برابر سرمایه گذاری شده توسط جانسون و جانسون، این شرکت تنها شرکتی است که حق فروش دارو در کشورهای دیگر را دارد. پزشکان بدون مرز که به تولید دارو کمک کرده اند، جانسون و جانسون را به دلیل هزینه های ممنوعیتی که برای دسترسی ایجاد کرده، انتقاد کرده و استدلال می کند که این دارو می تواند با سود فقط ۲۵ سنت در روز تولید شود و بنابراین باید بیش از یک دلار در روز بفروش رود - ۶۰۰ دلار برای یک درمان ۲۰ ماهه. کم ترین قیمتی که جانسون و جانسون این دارو را بفروش می رساند دو برابر می باشد، در کشورهایی که واجد شرایط خرید از طریق تسهیلات جهانی دارو نیستند - از جمله اندونزی، فیلیپین، و آنگولا قیمت فروش بسیار بالاتر است.

فایزر و گلکسو اسمیت کلابین واکسن مهمی برای ذات الریه تولید کردند، که پزشکان بدون مرز ادعا می کنند که بسیاری از کسانی که به این دارو نیاز دارند بسیار گران است. در حالیکه پزشکان بدون مرز به اصطلاح کاهش قیمت برای کشورهای با درآمد پائین را بدست آورده است. این سازمان معتقد است که این قیمت ها به اندازه کافی کاهش نیافته، زیرا هزینه یک واکس هنوز ۹ دلار برای یک کودک در فقیرترین کشورها تعیین شده و تا ۸۰ دلار برای هر کودک برای کشورهای با درآمد متوسط که شرایط لازم را ندارند تعیین شده. کمپین کنندگان ادعا می کنند: فایزر و گلکسو اسمیت کلابین در ۱۰ سال گذشته بیش از ۵۰ میلیارد دلار از فروش واکسن پنوموکوک بدست آورده اند که فایزر بخش عمده از این سهم درآمد را به چنگ آورده است. امروزه ۵۵ میلیون کودک در سراسر جهان به واکسن ذات الریه دسترسی ندارند و این بیشتر به دلیل گرانی این واکس است.

شرکت غول پیکر داروئی سنوفی در فرانسه

## علیه لومپنیسم در جنبش انقلابی بایستیم





سهام این شرکت در بازار در ماه مه ۲۰۲۰، هنگامی که قیمت سهام به سرعت افزایش یافت، به دلیل حجم عظیم بازدهی به مدیران شرکت خود مورد انتقاد قرار گرفت، ساعاتی پس از اطلاع این خبر، دو مدیر این شرکت ۳۰ میلیون دلار سهام خود را بفروش رساندند. چند روز بعد سهام دار برجسته مادرنا یک میلیون سهام خود را به مبلغ ۶۹.۵ میلیون دلار بفروش رساند. مقامات پیشین کمیسیون بورس و اوراق بهادار گفتند که این وقایع «بسیار مشکل ساز» بوده و قابل بررسی است. البته تا به امروز خبری از این بررسی نیست.

بخش قابل ملاحظه ای از این داروسازی تنها مقصودشان به چنگ آوردن سود های کلان که با هدایت تعداد انگشت شماری از شرکتهای غول پیکر هدایت می شوند. در سالهای اخیر این شرکتهای داروئی بیش از آنچه در تحقیق و توسعه داروهای جدید خرج کرده باشند، فکر سود آوری هر چه بیشتر برای سهام داران ثروتمند می باشند. به عنوان مثال، آنتی بیوتیک های جدید چون برای این شرکتهای سود آور نیست، در حال حاضر تولید نمی شوند. کاملاً محتمل است که یک واکسن مورد اعتماد و درمانی میتواند سریع تولید گردد و در جهت سلامت مردم متمرکز گردد، نه اینکه ساختاری حول ضرورت کسب هرچه بیشتر سود از این بیماری.

اما، اگر از نزدیک نگاه کنید خواهید دید خطرات ناشی از سپردن مراقبتهای بهداشتی و درمانی به دست این شرکتهای غول پیکر ارتجاعی و ضد مردمی کاملاً مشهود می شود: عدم شفافیت و همکاری، کمبود ساختگی داروهای شدیداً مورد نیاز؛ و تمرکز بر فروش داروها به اکثر کشورهای ثروتمند که نه تنها ناعادلانه است بلکه در واقع کنترل این ویروس را بسیار دشوار تر خواهد کرد و انتقال مبالغ هنگفتی از پول مردم مالیات دهنده به دست مشتتی از شرکتهای حریص برای سود جوئی قرار خواهد گرفت. در واقع، طرح کلی این مشکلات بطور گسترده ای قابل درک است، که می تواند یکی از عوامل رشد نگران کننده احساسات «ضد واکسن» در جامعه باشد.

## 1- GlaxoSmithKlein (GSK)

شده است و شرکتهای داروئی مجازند تا بیست سال از حق ثبت اختراع این داروها استفاده نمایند و از این طریق عرصه را به انحصار خود درآوردند و قیمت ها را تعیین کنند. این وضعیت بطور مصنوعی و ناخوشایند داروها را با قیمتهای مقرون به صرفه در بازار محدود می کند و تمام این فعالیتهای غیر انسانی فقط به خاطر حفظ سود بسیار بالا برای این شرکتهای غول پیکر داروئی می باشد. متأسفانه، ما میتوانیم این مشکلات را در تولید واکسن ها و درمان های ویروس کورونا مشاهده کنیم.

در اوایل ماه نوامبر ۲۰۲۰، فایزر وقتی خبر داد که واکسن تولیدی این شرکت بیش از ۹۰٪ در جلوگیری از ویروس کووید - ۱۹ مؤثر است، خبرهای تیتتر تمام اخبار روز جهان شد. این آگهی توجه به این واقعیت را جلب کرد که فایزر تاکنون قولی برای محدود کردن سود خود نداده است و بیش از یک میلیارد دوز را به دولت های ثروتمند که تنها ۱۴٪ جمعیت جهان را تشکیل می دهند وعده داده است. این ۸۲٪ از ۱.۳۵ میلیارد دوز را نشان می دهد که فایزر میگوید توانایی تولید آنرا تا پایان سال دارد. فایزر تمایل خود را برای حفظ ثبت اختراع واکسن خود بطور صریح نشان می دهد. پیش بینی می شود داروی فایزر در سال ۲۰۲۱، ۱۳ میلیارد دلار درآمد کسب کند. در حالیکه این شرکت با کمال بی وقاهتی اعلام می کند که هیچ گونه کمکی از مالیات دهندگان دریافت نکرده، شریک این شرکت برای تولید همین واکسن بودجه قابل توجهی از دولت دریافت کرده است.

مادرنا هم چنین نتایج مثبتی را برای واکسن خود اعلام کرده است، اما در حال حاضر ۷۸۰ میلیون دوز به کشورهای ثروتمند فروخته است که ۷۸٪ از یک میلیارد ظرفیت تولید این شرکت تا پایان سال آینده می باشد. پول مالیات دهندگان در مجموع ۲.۵ میلیارد به تولید این واکسن کمک کرده است. گروه کمپنی عمومی شهروندان ادعا می کنند که «شهروندان مالیات دهنده ۱۰۰٪ هزینه تولید واکس مادرنا برای کووید ۱۹- را هزینه می کنند.» معهدا، ایالات متحده متعاقباً ۶۰۰ میلیون دوز خریداری کرده است، مبلغی که احتمالاً ۸ میلیارد دلار برای مادرنا درآمد دارد. علاوه بر این، دو دوز مادرنا هر کدام به ترتیب ۶۴ دلار و ۷۴ دلار برای هر نفر تخمین زده می شود.

مادرنا، هم چنین پس از اعلام نتایج مثبت

می باشد که سال گذشته ۴۲ میلیارد دلار درآمد داشته که ۳ میلیارد آن سود خالص بوده. این شرکت متهم به افزایش قیمت انسولین لانتوس شده، آنها همه ساله در ایالات متحده بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ مبلغ ۲۲ میلیارد دلار پول شهروندان (عمومی) را از طریق مدیکر و مدیکید به این شرکت به منظور خرید این دارو پرداخت شده. سنوفی با بایگانی ۷۴ نوع درخواست ثبت اختراع، جلوی ظهور رقابت برای لانتوس را در ایالات متحده گرفت.

در ماه می ۲۰۲۰، استروژنکا شرکت شل را به منظور تبدیل شدن به با ارزش ترین شرکت در انگلستان از طریق سرمایه بازار (ارزش کل سهام برجسته یک شرکت) با ۱۵٪ سود سهام در سال جاری، ۱۱۵ میلیارد پوند انگلیسی به چنگ آورد. این شرکت هم به جلوگیری از رقابت عمومی در بازار متهم شده است. دیوان عدالت اروپا تصمیمی را که کمیسیون اروپا تأیید کرده، استروژنکا به اتهام سوء استفاده از موقعیت خود در بازار برای تأخیر انداختن معرفی داروی جنزیک درمان زخم معده (به نام لوسک) مقصر شناخته شد. هنگامیکه استروژنکا نسخه دوم لوسک را به بازار معرفی کرد، این شرکت مجوز بازار لوسک را در چندین کشور لغو کرد. این اقدام شرکت غول پیکر استروژنکا باعث شد تا داروی جنزیک لوسک که ارزانتر از داروی اصلی است وارد بازار نشود و به همین دلیل به دستور دادگاه وادار شد ۵۳ میلیون یورو جریمه پردازد.

این مطالعات موردی نمونه های ذاتی مدل فعلی شرکتهای غول پیکر داروئی است. بطور خلاصه، این شرکتهای غول پیکر داروئی به دلیل نیاز به بازدهی سود کلان توسط تعداد انگشت شماری از شرکتهای عظیم و حریص هدایت می شوند. در سالهای اخیر، شرکتهای داروئی اغلب هزینه های بیشتری را برای خرید سهام به منظور بالا نگه داشتن قیمت سهام و پرداخت سود سهام به سهام داران ثروتمند هزینه کرده اند، اما در مقایسه، خبری از فعالیت در مورد تحقیقات و توسعه داروی جدید نیست. بسیاری از داروهای اساسی، مانند آنتی بیوتیک های موج جدید، در حال حاضر ساخته نمی شوند چون این شرکتهای غول پیکر داروئی معتقدند که سود کافی در این زمینه برای آنها وجود ندارد.

در مواردی که حقیقتاً تحقیقات مفیدی در باره داروهای ضروری انجام می شود، معمولاً با بودجه عمومی انجام می گیرد. با این حال شرایط کمی برای این بودجه در نظر گرفته



## یادی از کوبا و شادباشی به فرمانده رائل کاسترو در نود سالگی اش

سوم ژوئن ۲۰۲۱ رائل کاسترو نود ساله شد. شصت سال از انقلاب کوبا و پنجاه و پنج سال از اولین باری که به کوبا رفتم گذشت. فیدل کاسترو دیگر در میان ما نیست، کوبایی ها اما همچنان با تحمل سختی های جبران ناپذیری در برابر امپریالیسم آمریکا که در این سالها تلاش کرده نظام سوسیالیستی آنرا براندازد استوار ایستاده اند.

فشاریم. پس از آن رژیس دیره خبر نگار فرانسوی و پتکف از فرمانده های جبهه آزادیبخش ونزوئلا را ملاقات می کنیم و آنها را از تصمیم حکومت انقلابی کوبا باخبر می کنیم و آنها هم خبر مسرت بخش را به ما تبریک می گویند. اهمیت موضوع در این بود که ما اولین گروه کمونیستی بودیم از راه دور و از منطقه خاور میانه به کوبا میرفتیم و می خواستیم از تجربه انقلاب کوبا یاد بگیریم. در آن زمان مبارزه



انتخاب شده که در میان آنها دو زن، دو پزشک و دو جنگجوی انقلابی تجربه دیده و یکی از رفقای رهبری از هیئت اجرائیه سازمان قرار داشتند. هشت ماه تمرین در میدان و آموزش های نظامی و سیاسی و یک ماهی دیدار و گردش از سرزمین انقلابی کوبا و تماس با مردم. سازمان انقلابی به دعوت ارتش به فرماندهی رائل کاسترو به کوبا رفته بود و در نتیجه در همان روز اول آغاز دوره آموزشی طی مراسمی وارد ارتش شدیم و یونیفورم نظامی پوشیدیم. از طرف ارتش کوبا یک فرمانده نظامی و یک فرمانده سیاسی برای دسته ما معین شد. علاوه بر این یک جوان کوبایی هم به جمع ما پیوست و تا آخر در کلیه تمرین های ما شرکت داشت. دوره آموزشی با موضوعات زیر شروع شد: ۱- توپو گرافی ۲- اسلحه شناسی و طرز استفاده ۳- انفجارات و طرز ساختن و بکار برد آنها ۴- تجربه انقلاب کوبا، انقلاب گواتمالا و ونزوئلا.

پس از اتمام این دوران به یک سربازخانه در مناطق جنگلی و کوهستانی منتقل شدیم. روز بعد ساعت چهار صبح شیپور بیداریش را زدند و اعلام کردند دشمن حمله کرده و باید به کوه بزیم و عقب نشینی کنیم. چنین بود آغاز تمرین های میدانی که گاهی چندین روز و شب به راهپیمایی مشغول بودیم. در بین راه فرمانده نظامی تجارب خود را با ما در میان می گذاشت. تمرکز روی ایجاد یک هسته پارتیزانی در روزهای سخت اولیه بود که باید همیشه در حال حرکت باشد. همه چیز باید به صورت واقعی جلوه می کرد. دسته پارتیزانی همیشه در حال آماده باش می بایستی باشد، کشیک دائمی و هوشیاری و پنهان کاری در حد اکثر. در تاریکی سیگار کشیدن مطلقن قدغن و در روز پس کشیدن بازمانده اش می بایستی له می شد و در زیر خاک پنهان که دشمن هیچگاه نتواند رد پای از دسته پارتیزانی بیابد. در پایان تمرین های میدانی همه زبده و روی فرم برای زدن به کوه. کار آنقدر جدی بود که طبق تجربه کوبا برای دوام آوردن به مدت طولانی در جنگل ها و کوه ها همه ما دندان هایمان را هم یک بیک زیر نظر دندانپزشک نوسازی کردیم و برای محکم کاری بیش از ده دندانم را بخشا روکش کردم که هنوز هم به یادگاری با من هست.

تضادی میان ما با نظامیان از همان روز ورود به پایگاه نظامی بوجود آمد. کی بر کی باید حکومت کند؟ حزب بر تفنگ یا تفنگ بر

شدیدی میان احزاب کمونیست و راه مبارزه مسلحانه نوع کوبایی در گرفته بود که بعد ها در ایران هم بازتاب خود را داشت. چند روزی بعد پس از مذاکرات مشخص تری در باره چگونگی رفت و آمد و برنامه کار به اروپا برگشتیم.

در مدتی بس کوتاه گروه آماده رفتن به کوبا شد. کمونیستها صف گرفته بودند که بروند و انقلاب کنند. اعضای سازمان انقلابی حزب توده ایران اساسا در بریدن از رهبری حزب توده ناشی از بی عملی رهبری بود و رفتن به ایران و شرکت در عمل انقلابی خط قرمز بود. در نتیجه، به هر رفیقی می گفتم درس و دانشگاه را رها می کرد، عشق و عاشقی را به تعویق می انداخت و پای در رکاب می گذاشت. رفقا و ایرج کشکولی تازه از مبارزه مسلحانه در جنوب خود را به اروپا رسانده بودند که داوطلب رفتن به کوبا شدند.

سفری پر مخاطره به کشوری در محاصره یانکی ها، جوانانی پر شور اما اکثرا کم تجربه و بدون آشنایی های قبلی از هم یک به یک و دو به دو با خط هوایی که هفته ای یکبار پرواز می کرد و از پاریس باید به پراگ می رفتیم تا از آنجا با هواپیمای دیگری - دو توقف در ایرلند و کانادا خود را به هاوانا برسانیم. در عرض دو ماه با پوشش های دقیق پنهان کاری همگی به هاوانا رسیدیم. جمعی بسیار دقیق

از سیزده نفری که به کوبا برای آموزش تجربه انقلاب کوبا در سال ۱۹۶۴ رفتیم پری حاجبی و ویدا حاجبی وفادار به آرمان هایشان دو زن شجاع و انقلابی، هنرمند و مادران خوب دیگر در میان ما نیستند. مهندس حسن قاضی همسر پری هم همین چند سال قبل به پری پیوست.

دکتر علی صادقی تا آخرین لحظات زندگی قلم توانش را در خدمت رهایی پرولتاریا بکار گرفت. پرویز واعظ زاده مرجانی و گرسیوس برومند را در ماه اردیبهشت ۱۳۵۵ رژیم سلطنتی دستگیر کردند و کشتند.

کائیدان را در جریان اعتصابات کارگران پروژه آبادان حکومت تازه به قدرت رسیده خمینی دستگیر و اعدام کرد.

عطا کشکولی در کردستان به خاک رفت و ایرج کشکولی هم دیگر در میان ما نیست. رائل کاسترو در نشست در هاوانا از طریق یکی از افسران ارتش انقلابی کوبا به تقاضای سازمان انقلابی ایران برای گسیل یک گروه به کوبا خبر میدهد: رفیق ویدا حاجبی که اسپانیولی می دانست ترجمه می کند " رائل به آمدن شما به کوبا خوش آمد می گوید " چه خبر خوشحال کننده ای. با احساسات گرم انقلابی و شور و شوق فرمانده کوبایی را که پیام رائل آورده بود، من و رفیق حسن قاضی بغل می کنیم و دستش را به گرمی می





## تجدید حیات ایده آل... بقیه از صفحه آخر

آنالوگ "یاد می کند، به گونه ای که اگر انتشار خالص کربن حاصل از احتراق سوخت های فسیلی در چند دهه آینده به صفر نرسد، وجود تمدن صنعتی و در نهایت بقای انسان را تهدید می کند. با این وجود، بحران وجودی محدود به تغییرات آب و هوایی نیست، بلکه تا عبور از سایر مرزهای سیاره ای گسترش می یابد که با هم شکاف اکولوژیکی جهانی در سیستم زمین را به عنوان مکانی امن برای بشریت تعریف می کنند. اینها عبارتند از: (۱) اسیدی شدن اقیانوس ها. (۲) انقراض گونه ها (و از بین رفتن تنوع ژنتیکی)؛ (۳) تخریب اکوسیستم جنگل؛ (۴) از دست دادن آب شیرین؛ (۵) اختلال در چرخه های نیتروژن و فسفر؛ (۶) گسترش سریع عوامل سمی (از جمله نوکلیدهای رادیویی)؛ و (۷) ازدیاد کنترل نشده موجودات اصلاح شده ژنتیکی.

این گسستن مرزهای سیاره ای و طبیعی ذاتی سیستم انباشت سرمایه است که هیچ مانعی غیر قابل عبور برای پیشبرد کمی و کاربردی آن را نمی شناسد. از این رو، بدون نابودی سرمایه داری کنونی شرایط کلی اجتماعی و طبیعی موجود که نیازی به خروج از خود سرمایه داری نداشته باشد، هیچ تغییری موجود نیست و بوجود نخواهد آمد. آنچه ضروری است ایجاد چیزی است که ایستوان مزاروس در فراتر از سرمایه آن را یک سیستم جدید "تولید مثل متابولیک اجتماعی" خواند. این اشاره به سوسیالیسم به عنوان وارث سرمایه داری در قرن بیست و یکم دارد، اما به روشهایی تصور می شود که نظریه و عملکرد سوسیالیسم را در قرن بیستم به چالش می کشد.

قطب بندی سیستم طبقاتی

در ایالات متحده، بخشهای اصلی سرمایه انحصاری - مالی اکنون توانسته اند عناصری از طبقه متوسط به پایین سفید پوستی را در قالب یک ایدئولوژی ملی گرایانه، نژادپرستانه، زن ستیز بسیج کنند. نتیجه این امر شکل گیری یک طبقه سیاسی نوپا و فاشیست است که از تاریخ طولانی نژادپرستی ساختاری ناشی از میراث برده داری، استعمار مهاجران و نظامی گری جهانی / امپریالیسم بهره می برد. این رابطه جدید فاشیسم در حال شکل گیری سیاسی نئولیبرالی که قبلاً وجود داشته است، رابطه "برادران دشمن" است که با یک

حزب. فرمانده نظامی ما معتقد بود حزب کمونیست کوبا در بی عملی بوده و این جنبش ۲۶ ژوئیه بوده که انقلاب کرده است و در نتیجه راه انقلابی کوبا یعنی جنبش های مسلحانه جوانان باید دست بالا را داشته باشند. ما بنابر اساسنامه سازمان، هفته ای یکبار جلسه حزبی مان را بر گزار می کردیم. علاوه بر این بعضی از رفقای ما که آثار مائوتسه دون را در باره جنگ توده ای مطالعه کرده بودند و یا رفیق عطا کشکولی که قبل از کوبا در چین آموزش دیده بود و در تجربه خود در جنگ جنوب دیده بود بدون پایگاه توده ای گروه مسلح جدا از توده ها شکست می خورد به شیوه های نظامیگری فرمانده انتقادی برخوردار داشتند.

در آخرین روز ها در جلسات جمع بندی گروه به اتفاق به این نتیجه رسیدیم که شرایط ایران با کوبا متفاوت است و باید شرایط ایران را در نظر بگیریم و مهمتر اینکه کوبایی ها اصرار داشتند ثابت کنند که بدون حزب کمونیست هم می شود انقلاب کرد در حالیکه ما معتقد بودیم در شرایط ایران چنین امکانی بعید است و در نظریه خود پافشاری می کردیم که بدون یک حزب پیشرو انقلابی طبقه کارگر نمیشود در ایران انقلاب کرد

جا دارد از آن همه بخشندگی و روحیه انترناسیونالیستی مردم کوبا و رفیق رائول کاسترو در نود سالگی اش یاد کنم و پرسشی را برای آموزش در میان بگذارم: این چه اصول و اخلاقیاتی است که انقلابیون کوبایی را بر آن میدارد که ماها را با هزینه بالایی به کوبا دعوت کنند و با تمام تفاوت هایی که با آنها داشتیم خرج سفر بازگشتمان را هم بدهند؟ از آن زمان تا بحال هم بعنوان توریست به کوبا سفر کردم می بینم که همچنان مهمان دوست با تمام مشکلاتی که ناشی از شش دهه محاصره اقتصادی دارند، باقی مانده اند و در جریان واگیری کوید ۱۹ بخشنده تر از هر کشور دیگری به یاری مردم دنیا آمدند. گروه های پزشکی خود را مجانی بدون هیچگونه چشم داشت مادی به آفریقا و اروپا و آمریکا فرستادند.

دیل



تمسخر سیاسی برای کسب قدرت همراه با سرکوب مشترک طبقه کارگر مشخص می شود. این شرایطی است که اساس ظهور املاک و مستغلات نیویورک و میلیاردر دونالد ترامپ به عنوان رهبر به اصطلاح راست رادیکال را به وجود آورده است، که منجر به تحمیل سیاست های راست گرا و رژیم جدید سرمایه داری مستبد. حتی اگر جناح نئولیبرال طبقه حاکم در انتخابات ریاست جمهوری آینده پیروز شود، براندازی ترامپ و جایگزینی وی با جو جو بایدن، یک اتحاد نئولیبرال - نئوفاشیست، که نشان دهنده ضرورت داخلی طبقه سرمایه دار است، به احتمال زیاد اساس دولت را ادامه خواهد داد قدرت تحت سرمایه انحصاری - مالی خواهد ماند.

حضور همزمان این شکل گیری سیاسی ارتجاعی جدید در ایالات متحده جنبشی دوباره برای سوسیالیسم است که در اکثریت طبقه کارگر و روشنفکران معاند مستقر است. از بین رفتن هژمونی ایالات متحده در اقتصاد جهانی، که با جهانی شدن تولید تسریع شد، اشراف کارگری سابق و مبتنی بر هیراکی سیاسی (سیستم قدرت مطلقه) را در میان برخی از بخشهای ممتاز طبقه کارگر تضعیف کرده و منجر به تجدید حیات سوسیالیسم شده است. در مواجهه با آنچه مایکل دی. یتس "نابرابری بزرگ" خوانده است، توده مردم در ایالات متحده، به ویژه جوانان، با چشم اندازهای سریع در حال فاصله گرفتن از آن هستند و خود را در یک فضای محدود در حد ایالت می بینند

اما اگر سوسیالیسم در چارچوب بحران ساختاری سرمایه و افزایش دو قطبی طبقاتی، ظاهراً دوباره در حال افزایش است، سؤال چه نوع سوسیالیسم؟ از چه جهاتی سوسیالیسم برای قرن بیست و یکم با سوسیالیسم قرن بیستم متفاوت است؟ بیشتر مواردی که در ایالات متحده و جاهای دیگر به عنوان سوسیالیسم نامیده می شود از انواع نحله های سوسیال دموکراتیک است، تلاش برای ایجاد اتحاد با لیبرال های چپ و در نتیجه نظم موجود، در یک تلاش بیهوده برای بهتر کار کردن سرمایه داری از طریق ارتقا جامعه، مقررات و رفاه اجتماعی در مخالفت مستقیم با نئولیبرالیسم، اما در زمانی که نئولیبرالیسم خودش جای خود را به نئوفاشیسم می دهد. این جنبش ها در ابتدای امر در شرایط تاریخی فعلی ناکام می مانند و ناگزیر به امیدهایی که دامن می زدند خیانت می کردند و می



تعیین می شود. تغییرات اساسی در روابط اجتماعی مورد تأکید مارکس به عنوان اصل مسیر سوسیالیستی در روند زندگی با سازگاری با نقایص منتقل شده از جامعه سرمایه داری کنار گذاشته شد. در عوض، مارکس بر پروژه ای اصرار داشت که هدف آن ایجاد جامعه تولیدکنندگان وابسته "از همان ابتدا" به عنوان بخشی از روند در حال انجام، اگر لزوماً ناهموار باشد، در ساخت ساختمان سوسیالیسم است.

این کنار گذاشتن آرمان سوسیالیستی مرتبط با مرحله بالاتر کمونیسم مارکس با تغییر شرایط مادی (و طبقاتی) و سرانجام نابودی جوامع از نوع اتحاد جماهیر شوروی به روشی پیچیده شد، که با توقف انقلابی و حتی اشکال طبقاتی را دوباره زنده کرد و سقوط نهایی آنها را نوید داد. .. طبقه جدید یا نام جدید از سیستم خارج شد. همانطور که سوئیزی در سال ۱۹۷۱ استدلال کرد، "مالکیت و برنامه ریزی دولت برای تعریف سوسیالیسم واقعی، کافی نیست، جامعه ای که در برابر تهدید به عقب نشینی مصون باشد و قادر به حرکت در مرحله دوم جنبش کمونیسم باشد." چیزی بیشتر مورد نیاز دارد: مبارزه مداوم برای ایجاد جامعه ای برابر.

از نظر مارکس، حرکت به سمت جامعه ای از تولیدکنندگان مرتبط، اصل مسیر سوسیالیستی است که در "آگاهی کمونیستی" نهفته است. با این حال، به محض اینکه سوسیالیسم با عبارات محدودتر و اقتصادی تر، به ویژه در اتحاد جماهیر شوروی از اواخر دهه ۱۹۳۰ به بعد تعریف شد، که در آن از نابرابری قابل توجهی دفاع شد، جامعه پس از انقلاب ارتباط حیاتی خود را برای مبارزه دوگانه برای آزادی و ضرورت از دست داد، و از این رو از اهداف بلند مدت سوسیالیسم که قبلاً مفهوم و انسجام خود را از آن گرفته بود، جدا شد.

بر اساس این تجربه، بدیهی است که تنها راه ساخت سوسیالیسم در قرن بیست و یکم پذیرفتن دقیقاً آن جنبه هایی از ایده آل سوسیالیستی / کمونیستی است که اجازه می دهد یک تئوری و عمل کاملاً رادیکال برای پاسخگویی به نیازهای ضروری حال حاضر باشد، در عین حال و همزمان نیازهای آینده را فراموش نمی کند. اگر بحران زیست محیطی سیاره ای به ما چیزی آموخته باشد، این است که آنچه مورد نیاز است، یک سوخت و ساز اجتماعی جدید با زمین است، جامعه ای با پایداری محیط زیست و برابری اساسی. این را

تاریخی را برای مبارزه برای ایجاد جامعه ای از تولیدکنندگان مرتبط تعیین کرد. مرحله اول توسط "دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا" آغاز شد، که منعکس کننده تجربه جنگ طبقاتی کمون پاریس و نمایانگر دوره ای از دموکراسی کارگری است، اما مرحله ای که هنوز "نقایص" جامعه طبقاتی سرمایه داری را به همراه دارد. در این مرحله اولیه، نه تنها گسست از مالکیت خصوصی سرمایه دار، بلکه گسست از دولت سرمایه داری به عنوان ساختار فرماندهی سیاسی سرمایه داری نیز رخ خواهد داد. به عنوان معیاری از ماهیت محدود انتقال سوسیالیستی در این مرحله، تولید و توزیع به ناچار مطابق با کار هر یک از احاد جامعه شکل می گیرد و شرایط نابرابری را تداوم می بخشد حتی در صورت ایجاد شرایطی برای جلوگیری از آنها. در مقابل، در مرحله بعد، اصل حاکم بر جامعه از هر یک با توجه به توانایی فرد، به هر یک با توجه به نیاز خود و حذف سیستم دستمزد تغییر می کند. به همین ترتیب، در حالی که مرحله اولیه سوسیالیسم / کمونیسم مستلزم شکل گیری ساختار جدید فرماندهی سیاسی در دوره انقلابی بود، هدف در مرحله بالاتر پژمردن دولت به عنوان یک دستگاه جداگانه ایستاده در بالا و در یک رابطه مخالف با جامعه بود. نوعی سازمان سیاسی جایگزین میشود که فردی یک انگلس از آن با عنوان "اجتماع" یاد می کند، که در ارتباط با یک شکل تولید عمومی است.

در مرحله بعدی، مرحله بالاتر انتقال سوسیالیسم / کمونیسم، نه تنها مالکیت و مالکیت جمعی مالکیت خواهد یافت، بلکه سلولهای سازنده جامعه به صورت اشتراکی بازسازی می شوند و تولید در دست تولیدکنندگان مرتبط است. در این شرایط، مارکس اظهار داشت، "کار" نه تنها "وسیله زندگی" بلکه "خود - ضرورت اصلی زندگی" شده است. تولید در مقادیر استفاده جامعه کارگردانی می شود

از این رو، همانطور که مایکل لباویتز در کتاب سوسیالیست ضروری توضیح داد، "به جای یک مبارزه مداوم برای فراتر رفتن از آنچه مارکس "نقص" به ارث برده از جامعه سرمایه داری، تفسیر استاندارد" مارکسیسم در نیمه قرن از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اواخر دهه ۸۰ "تقسیم جامعه پس-سرمایه داری را به دو" مرحله "متمايز معرفی کرد"، که از نظر اقتصادی توسط سطح توسعه نیروهای تولیدی

کنند، زیرا فقط بر دموکراسی انتخاباتی تمرکز داشتند. خوشبختانه امروز نیز شاهد رشد یک سوسیالیسم اصیل هستیم که در مبارزات خارج از انتخابات، اقدامات توده ای فزاینده و فراخوان فراتر از پارامترهای سیستم فعلی و بازسازی کل جامعه آشکار است

ناآرامی های عمومی نهفته در بطن جامعه ایالات متحده در قیام های اواخر ماه مه و ژوئن سال جاری آشکار شد، که شکل اعتراضات همبستگی گسترده با میلیون ها نفر عملاً در تاریخ آمریکا از زمان جنگ داخلی آمریکا شنیده نشده است. در خیابان ها، و به ویژه با طبقه کارگر سفید پوست، و به ویژه جوانان سفید پوست، که در واکنش به لینچ پلیس جورج فلویید برای جرم دیگری جز سیاه پوستی، به طور دسته جمعی از خط قرمز عبور می کنند. این رویداد، در اوج همه گیر COVID-۱۹ و رکود اقتصادی مربوط به آن، منجر به طغیان روزهای ژوئن در ایالات متحده شد.

در حالی حرکت به سوی سوسیالیسم، که اکنون حتی در "قلب وحشیانه" این سیستم در ایالات متحده نفوذ کرده است باعث شده است که نیروهای عینی در حال بدست گرفتن این روند هستند، اما فاقد مبنای ذهنی کافی. یک مانع عمده در تدوین اهداف استراتژیک سوسیالیسم در جهان امروز مربوط به کنار گذاشتن ایده آل های خود از سوسیالیسم قرن بیستم است که در اصل در دیدگاه کارل مارکس در مورد کمونیسم بیان شده است. برای درک این مشکل، لازم است فراتر از تلاشهای چپ اخیر برای پرداختن به معنای کمونیسم بر اساس فلسفی، سوالی که در دهه اخیر منجر به درمانهای انتزاعی ایده کمونیستی، فرضیه کمونیست و افق کمونیست شده است توسط آلن بدیو و دیگران. در عوض، یک نقطه شروع دقیق تر مبتنی بر تاریخ، با تمرکز مستقیم بر نظریه دو فازی توسعه سوسیالیستی / کمونیستی ضروری است که از انتقاد مارکس از برنامه گوتا و دولت و انقلاب و مقاله پل سوویزی با عنوان "کمونیسم به عنوان یک ایده آل"، که بیش از نیم قرن پیش درمانتلی ریویو در اکتبر ۱۹۶۳ منتشر شد، اکنون یک متن کلاسیک در این زمینه است.

کمونیسم مارکس به عنوان ایده آل سوسیالیست در انتقاد از برنامه گوتا - که در مخالفت با مفاهیم اقتصادی و کارگری شاخه سوسیال دموکراسی آلمان تحت تأثیر فردیناند لاسال نوشته شده است - مارکس دو "مرحله"

## به دفاع از وحدت جنبش رادیکال کارگری برخیزیم



می توان در دستاوردهای خارق العاده زیست محیطی کوبا مشاهده کرد، همانطور که اخیراً توسط مائوریسیو بتانکورت در "اثر کشت و بوم شناسی کوبا در کاهش متابولیسم ریفت" در تغییر محیط زیست جهانی نشان داده شده است. این مطابق با آنچه گئورگ لوکاچ "تحول مضاعف" لازم در روابط اجتماعی انسان و روابط انسانی با طبیعت خوانده است، مطابقت دارد. چنین پروژه رهایی بخش باید لزوماً از مراحل مختلف انقلابی عبور کند، که نمی توان از قبل پیش بینی کرد. با این حال، برای موفقیت، یک انقلاب باید تلاش کند تا خود را از طریق ارتقا promotion یک سیستم ارگانیک معطوف به نیازهای واقعی انسان، ریشه در برابری اساسی و تنظیم منطقی و سوخت و ساز اجتماعی انسان با طبیعت، غیرقابل برگشت کند.

آزادی به عنوان ضرورت

بنا بر G.W.F. فلسفه هگل، انگلس در آنتی دورینگ مشهور استدلال کرد که آزادی واقعی در شناخت ضرورت استوار است. تغییر انقلابی نقطه ای بود که در آن آزادی و ضرورت در عمل به وجود آمد. اگرچه چیزی فراتر از دانش بشری به عنوان یک ضرورت کور وجود داشت، اما پس از درک نیروهای عینی، دیگر ضرورت کور نبود، بلکه مسیرهای جدیدی را برای عمل و آزادی انسان ارائه می داد. ضرورت و آزادی از یکدیگر تغذیه می کردند و نیاز به دوره های جدید تحول اجتماعی و تعالی تاریخی داشته و دارند. لنین در نشان دادن این اصل دیالکتیکی ماتریالیستی به روشنی مشاهده کرد، "ما ضرورت طبیعت را در پدیده های هوا نمی دانیم. اما گرچه ما این را ضرورت نمی دانیم، اما می دانیم که این ضرورت وجود دارد. " ما می دانیم که رابطه انسانی با آب و هوا و طبیعت به طور کلی با تغییر روابط تولیدی حاکم بر اعمال ما، ناگزیر متفاوت است.

امروز، دانش در مورد بحران آب و هوایی انسانی و حوادث شدید آب و هوایی، انسانها را از حیطة ضرورت کور خارج می کند و خواستار این است که مردم جهان در نبرد نهایی برای آزادی و بقا علیه سرمایه داری فاجعه شرکت کنند. همانطور که مارکس در زمینه شکاف متابولیسیکی شدیدی که در نتیجه استعمار انگلیس در قرن نوزدهم به ایرلند تحمیل شد، اظهار داشت، بحران زیست محیطی خود را به عنوان "ویرانی یا انقلاب" نشان می دهد. در آنتروپوسن، شکاف اکولوژیکی ناشی از گسترش اقتصاد سرمایه داری اکنون در مقیاس رقابتی

با چرخه های بیوژئوشیمیایی کره زمین وجود دارد. با این حال، دانش این هدف است بر اساس مقاله ۲۰۲۰ درباره "آینده طاقچه آب و هوای انسانی" در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم، بر اساس روندهای موجود، ۳٫۵ میلیارد نفر پیش بینی می شود تا سال ۲۰۷۰، در زیر گرمای غیر قابل زندگی در خارج از منطقه آب و هوای انسانی زندگی کنند، شرایط قابل مقایسه با شرایط صحرای صحرا. حتی چنین پیش بینی هایی نتوانند سطح عظیمی از تخریب را که به طور معمول تحت تجارت سرمایه داری بر اکثریت بشریت وارد خواهد شد، به دست آورند. تنها پاسخ این است که خانه در حال سوختن را ترک کنید و اکنون خانه دیگری بسازید.

بین الملل کارگران و مردم

اگرچه تعداد بی شماری از مردم در مکانهای خاص خود در سراسر جهان درگیر مبارزات بیشماری علیه زنگراوت سرمایه دار هستند، اما مبارزات برای برابری اساسی، از جمله جنگ بر سر نژاد، جنسیت و طبقه، به مبارزه با امپریالیسم در سطح جهانی بستگی دارد. از این رو، نیاز به سازمان جهانی جدیدی از کارگران بر اساس مدل Marx's First International وجود دارد. چنین بین المللی برای قرن بیست و یکم به سادگی نمی تواند متشکل از گروهی از نخبگان نخبه از شمال باشد که در فعالیت های بحث مانند انجمن اجتماعی جهانی یا در ترویج اصلاحات نظارتی سوسیال دموکراتیک مانند به اصطلاح بین المللی سوسیالیست و مترقی شرکت می کنند. بلکه باید به عنوان یک سازمان مبتنی بر کارگران و مبتنی بر مردم تشکیل شود که از ابتدا در یک اتحاد قوی جنوب و جنوب ریشه دارد تا مبارزه با امپریالیسم را در مرکز شورش سوسیالیست علیه سرمایه داری قرار دهد، همانطور که توسط چهره هایی مانند چاوز و امین.

در سال ۲۰۱۱، درست قبل از بیماری نهایی، چاوز در حال آماده سازی بود، پس از انتخابات بعدی خود، آنچه را که به نام "انترناسیونال جدید" (به طور مشخص نه یک پنجم بین المللی) نامیده می شود، متمرکز بر اتحاد جنوب و جنوب و اهمیت جهانی به سوسیالیسم در قرن بیست و یکم این می توانست اتحاد بولیواری برای مردمان آمریکای ما را به سطح جهانی گسترش دهد. اما این امر هرگز به دلیل زوال سریع و مرگ نابهنگام چاوز، نور روز را ندید.

در همین حال، برداشت جداگانه ای از تلاش های امین، همکاری با مجمع جهانی جایگزین ها حاصل شد. امین مدت ها بود که یک پنجمین انترناسیونال را تصور می کرد، ایده ای که او هنوز در اواخر ماه مه ۲۰۱۸ ارائه می داد. اما در ژوئیه ۲۰۱۸، فقط یک ماه قبل از مرگ او، این به آنچه بین المللی کارگران و مردم گفته بود تبدیل شده بود، یک بین الملل مبتنی بر کارگر خالص که وضعیت مردم را در نظر نمی گرفت، در مقابله با امپریالیسم ناکافی بود. وی اظهار داشت، این یک سازمان است، نه فقط یک جنبش. این هدف اتحاد همه مردم کارگر جهان و نه تنها افرادی است که به عنوان نمایندگان پرولتاریا صلاحیت دارند ... از جمله تمام مزد بگیران خدمات، دهقانان، کشاورزان و مردمی که توسط سرمایه داری مدرن تحت فشار قرار گرفته اند. این ساخت و ساز همچنین باید بر اساس شناخت و احترام به تنوع اعم از احزاب، اتحادیه های کارگری یا سایر سازمان های مردمی مبارزاتی باشد که استقلال واقعی آنها را تضمین کند.... در صورت عدم پیشرفت [جنبش انقلابی]، بر جهان ادامه خواهد داد با هرج و مرج، اقدامات وحشیانه، و تخریب زمین

ایجاد یک انترناسیونال جدید البته نمی تواند در خلا رخ دهد بلکه باید بیان شود و به عنوان محصولی از ساختمان سازمانهای توده ای یکپارچه در سطح پایه همراه با جنبشهای انقلابی و از بین بردن پیوندها از سیستم سرمایه داری در سرتاسر کشور گسترش یابد. جهان. از نظر امین، بدون ابتکارات جدید جنوب جهانی برای ایجاد اتحادهای گسترده، مانند مبارزات سازمان یافته اولیه مرتبط با جنبش جهان سوم که در کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ آغاز شد و مبارزه برای یک نظم اقتصادی جدید بین المللی، نمی تواند اتفاق بیفتد. ۵۲. این سه عنصر - جنبش های مردمی، اتحاد متخاصم و اتحاد میان قاره ای / قاره جهان - همه در تصور او از مبارزه ضد امپریالیستی بسیار مهم هستند. امروز این امر باید با جنبش اکولوژیکی جهانی متحد شود. امین تأکید کرد، چنین مبارزه جهانی علیه سرمایه داری و امپریالیسم باید با جسارت و جسارت بیشتر، شکست مختصات سیستم در هر نقطه، و یافتن مسیر ایده آل آن در اصل از هر یک با توجه به توانایی هر یک، با توجه به نیاز فرد، به عنوان تعریف جامعه انسانی. امروز ما در یک زمان کاملاً منطبق بر مبارزات برای آزادی و ضرورت زندگی می





در واقع امر، به مثابه شکست قطعی انقلاب مشروطه بود که در راه آن، خون بسیاری از آزادیخواهان به زمین ریخته شده بود. میرزاده عشقی، شاعر انقلابی و خوش ذوق که در جوانی در سال ۱۳۰۳، توسط اعمال رضا خان سردار سپه در خانه اش ترور شد، در شعر با شکوه "ایده آل مریم"، این شکست دردناک انقلاب مشروطه را به شیوا ترین وجهی، بیان کرده است. پس از فتح تهران، همان الدوله ها و السلطنه های دوران استبداد در راس قدرت قرار گرفته و در لباس مشروطه طلب و آزادیخواه به سرکوب انقلاب و مبارزین واقعی پرداختند. از نخستین اقدامات ضد انقلابی دولت "مشروطه"، حمله به باغ اتابک در تهران به منظور خلع سلاح مجاهدین انقلاب مشروطیت بود. در هجوم به باغ اتابک بود که تیری به پای ستارخان، سردار ملی اصابت کرد و این گرد آزادی را که آن چنان بی باکانه در راه مشروطه و علیه استبداد پیکار کرده بود، زخمی و زمینگیر ساخت

+++++

وقتی در تابستان سال ۱۹۱۴ میلادی جنگ جهانی اول آغاز شد، قشون های دول متخاصم، بخشهایی از خاک ایران را اشغال کرده و اوضاع آشفته و بحرانی کشور را آشفته تر ساختند. گرچه دولت ایران در آغاز جنگ اعلام بی طرفی کرده بود، در جریان جنگ، خاک این کشور از جانب شمال و غرب توسط سپاهیان روس، انگلیس و ترکیه عثمانی اشغال گردیده و به میدان نبردهای خونین، مبدل شد. در این جنگ خاتمانسوز بینا امپریالیستی که تا اواخر سال ۱۹۱۸، دوام داشت، ترکیه عثمانی متحد آلمان بود و انگلیس و فرانسه و روسیه تزاری در روبرویی با آلمان، در کنار هم قرار داشتند. از سال ها پیش از آغاز جنگ جهانی اول، روسیه تزاری و انگلستان که بر سر تسلط بر ایران و غارت هستی ساکنین ستمدیده این کشور مدام با هم رقابت و هم چشمی داشتند، با انعقاد قرار داد سال ۱۹۰۷، اختلافات خود را کنار گذاشته و در مقابله با امپریالیسم آلمان که از لحاظ اقتصادی و سیاسی از رشد روز افزونی برخوردار بود، پیمان مودت و همکاری بستند. پس از انعقاد این پیمان دوستی بود که امپریالیسم انگلیس که در آغاز انقلاب مشروطه در رقابت با روسیه تزاری، خود را هوادار این حرکت آزادیخواهانه مردم ایران قلمداد می کرد، به دوست و متحد روسیه در سرکوب جنبش آزادیخواهانه توده های به پا خاسته این کشور مبدل شد. در خلال جنگ

شدند، مقاومت کرد. "مرکز غیبی"، سازمانی کمونیستی که در راس آن انقلابیونی نظیر علی مسیو و حیدرعمواوغلی قرار داشتند، به شایسته ترین وجهی مبارزات رهایی بخش توده های زحمتکش را رهبری می کرد. پس از یازده ماه پیکار قهرمانانه، در حالی که میدان های جنگ با خون صدها تن از فدائیان از جان گذشته رنگین گردیده بود، محمد علی شاه و سرکردگان خون آشام استبداد، در مصاف با فدائیان مسلح تبریز، شکست بس مذبوحانه ای را متحمل شدند. صابر میرزا (۱۹۱۱ - ۱۸۶۸) در یکی از اشعار طنز آمیز زیباییش، فرار یکی از سرداران پر مدعای محمد علی شاه را از میدان جنگ با ستار خان و دیگر فدائی ها، ترسیم کرده است. پیروزی های درخشان نیروهای انقلابی در تبریز، روسیه تزاری را که با تمام نیرو از محمد علی شاه مستبد حمایت میکرد، سخت هراسان ساخته و آن دولت تجاوزگر را به چاره اندیشی وا داشت. تبریز مبارز که با مقاومت دلیرانه خود تحسین جهانیان و انقلابیونی نظیر لنین را متوجه خود ساخته بود، خستگی پیکار خونین را از تن بیرون نیاورده بود که در معرض تاخت و تاز قشون های مهاجم روس، قرار گرفت. روسیه تزاری، مظهر ضد انقلاب در آسیا و اروپا، با اعزام هزاران تن از قشون های خود به تبریز، یه سرکوب وحشیانه مبارزات مردم این شهر مقاوم پرداخت. روس های اشغالگر در کشتار و آزار مبارزین از جان گذشته تبریز به انواع وحشیگری ها دست یازیده و از هیچ بربریتی خودداری نه میکردند. دومین شهری که بی باکانه در دفاع از مشروطه و هم صدائی با آزادی خواهان تبریز، پرچم مبارزه را علیه شاه مستبد قاجار بر افراشت، همانا رشت بود. به تاسی از تبریز و رشت، در شهرهای دیگر ایران نیز، مشروطه خواهان علیه شاه خودکامه به پا خاسته و همبستگی خود را با مبارزین این دو سنجر آزادی، اعلام داشتند.

+++++

در شرایطی که تبریز در زیر لگدهای ارتش مهاجم بیگانه، بدترین آزارها را متحمل می شد، تهران توسط نیروهای مشروطه خواه فتح گردیده و محمد علی شاه از ترس جان خود، به سفارت روس در زرگنده، پناهنده شد. شکست استبداد شاه قاجار و فتح تهران گرچه منجر به برچیده شدن بساط استبداد محمد علی شاه خودکامه گردید، اما بودن خان ها و فئودال ها و دست نشاندگان انگلستان در راس نیروهائی که در فتح تهران دست داشتند،

کنیم، که منجر به یک مبارزه دوباره برای آزادی به عنوان ضرورت است. انتخاب پیش روی ما اجتناب ناپذیر است: ویرانی یا انقلاب.

باز نشر از شماره ماهانه بررسی ماه سپتامبر، ۲۰۲۰

### مروری بر یک قرن مبارز و ... بقیه از صفحه آخر

ماه از این دولت استعمارگر، مواجب دریافت می داشت. با نگاهی اجمالی به تاریخ ایران در اواخر دوران قاجاریه، اقدام انگلستان در طرح و اجرای کودتای سوم اسفند، بیشتر روشن می گردد. مظفرالدین شاه، پنجمین شاه از دودمان قاجار، در سال ۱۲۸۵ شمسی (۱۹۰۶ میلادی) در بستر بیماری، چند ماه قبل از وفاتش مجبور به امضای فرمان مشروطیت گردید. فرزند وی محمد علی میرزا که فساد اخلاق و زشت کاری هایش در تبریز در زمان ولیعهدی زباززد خاص و عام بود، پس از در گذشت پدر به مقام سلطنت رسید. این عنصر مستبد، از همان ابتدای سلطنت، عناد جویانه به مخالفت با مشروطیت بر خاسته و توسط قزاق های روسی به سرکردگی لیاخوف، مجلس شورای ملی را به توپ بست. اقدامات سرکوبگرانه محمد علی شاه و قتل و حبس مشروطه خواهان بنام، از آن جمله میرزا جهانگیر خان، مدیر نشریه "صور اسرافیل" و ملک المتکلمین به دست این دشمن بی امان آزادی، سبب شد که ترس و وحشت بر کشور مستولی گردیده و بسیاری از مشروطه خواهان به گوشه ای خزیده و سکوت و خاموشی، اختیار کنند.

+++++

اما این بی تفاوتی در برخورد با قلد رمنشی های شاه خودکامه، دیری نپائید. تبریز که در آن زمان دومین شهر ایران محسوب میشد، علیه استبداد محمدعلی شاهی به پا خاسته و پرچم مبارزه با ارتجاع هار مرکز نشین را بر افراشت. در راس مبارزات مسلحانه اهالی تبریز، آزادیخواهانی همچون ستارخان، باقر خان، علی مسیو و حیدر عمواوغلی قرار داشتند. تبریز به پا خاسته، یازده ماه تمام در مقابل قشون های استبداد که یکی پس از دیگری به این سنجر آزادی گسیل می



جهانی، در مقابله با دولت مرکزی طرفدار روسیه و انگلستان، دولتی در تبعید در غرب کشور به وجود آمد. این دولت خلق الساعه که در راس آن نظام السلطنه مافی و برخی دیگر از رجال متعلق به هیات حاکمه قرار داشتند، آشکارا از مقاصد جنگی آلمان و ترکیه عثمانی، دفاع می کرد. تعدادی از روشنفکران و آزادیخواهان کشور نیز که دول انگلیس و روسیه تزاری را مسبب همه سیاه روزیها در ایران می دانستند، در جبهه های نبرد، در کنار قشون های ترکیه عثمانی و آلمان، با لشکریان روس و انگلیس در حال جنگ و گریز بودند. در بحبوحه جنگ جهانی اول، در ماه فوریه سال ۱۹۱۷، انقلابی دموکراتیک در روسیه به وقوع پیوست و زحمتکشان روس، حکومت خودکامه تزارها را که به مدت سه قرن در این کشور در اریکه قدرت بود، سرنگون ساختند.

+++++

در فردای پیروزی انقلاب توده ها و برجیده شدن بساط نیکولای دوم امپراطور روس، دو دولت متمایز در روسیه ایجاد شدند. یکی دولت طرفدار بقای سرمایه داری توسط نمایندگان مجلس دوما و دیگری دولت شورای کارگران و سربازان که در آن، احزاب و سازمان های سیاسی مختلف و از آن جمله بلشویک ها، منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها، شرکت داشتند. در ابتدا، بلشویک ها به رهبری ولادیمیر لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴) در شوراهای کارگران و سربازان در اقلیت بودند. منشویک ها و سوسیال رولوسیونرها که در شوراهای اکثریت داشتند، سیاست های سازشکارانه ای دنبال کرده و با تایید دولت موقت بورژوازی و همکاری با آن، ماهیت ضد انقلابی خود را به روشن ترین وجهی، به نمایش گذاشتند. در طول ۸ ماه فاصله بین انقلاب دموکراتیک فوریه و انقلاب سوسیالیستی اکتبر، بلشویک ها با اتخاذ مواضع پیگیر انقلابی، افشای ماهیت ارتجاعی دولت موقت و برملا ساختن خیانت احزاب سازشکار منشویک و سوسیال رولوسیونرها که در دولت موقت با بورژوازی شرکت کرده و طرفدار ادامه جنگ امپریالیستی بودند، به حزب اکثریت در شوراهای کارگران و دهقانان، مبدل شدند. تحت رهبری بلشویک ها در ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷، کارگران و تھی دستان شهرو ده، دولت بورژوازی را سرنگون ساخته و بدین ترتیب دگرگونی سیاسی عظیمی در یکی از کشورهای مهم جهان آن روز؛ به وجود آوردند. دولت سوسیالیستی که تحت رهبری لنین در فردای سقوط دولت موقت، در روسیه

ایجاد گردید، در زمینه سیاست خارجی کلیه قرارداد های استعماری منعقد شده بین روسیه تزاری و کشورهای اسیر و در بند را ملغی اعلام کرده و خواهان برقراری روابط حسنه با ایران و دیگر کشورهای همسایه گردید.

+++++

در ایران، پیروزی بلشویک ها در روسیه، مورد استقبال نیروهای سیاسی ترقی خواه قرار گرفته و الهام بخش آزادیخواهان و شعرا در پیشبرد مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی شد. برای نمونه می توان به ستایش از لنین در شعر "سه تابلو مریم" عشقی و اشعار معجز شبستری و ملک الشعرای بهار، اشاره کرد. به دنبال انقلاب اکتبر و به منظور بر گشت سرمایه داری در کشور شوراها، ۱۴ کشور امپریالیستی از چند سو خاک شو روی را به اشغال خود در آوردند. پس از سه سال جنگ خونین بین انقلاب و ضد انقلاب، اشغالگران امپریالیستی شکست خورده و مجبور به ترک خاک شوروی شدند. دولت جوان سوسیالیستی با تکیه به نیروی لایزال توده های کارگر و زحمتکشان شهر و ده، توانست هم کوشش های مذبوحانه ضد انقلاب مسلح داخلی را با ناکامی و شکست روبرو سازد و هم تجاوزکاران خارجی را از خاک شوراها به راند. قبل از وقوع انقلاب اکتبر در روسیه که نقطه عطفی در تاریخ جهان محسوب می گردد، دولت های استعماری روس و انگلیس بر شئون اقتصادی و سیاسی ایران، تسلط کامل داشتند. پس از این انقلاب دوران ساز، انگلستان فرصت را غنیمت شمرده و کوشید جهت گسترش دامنه نفوذ خود در ایران و جلوگیری از اشاعه اندیشه های کمونیستی در این کشور از لحاظ سوق الجیشی مهم، همچنان به منظور صیانت از مستعمره زر خیز خود هندوستان، قرار داد ننگین سال ۱۹۱۹ را توسط نوکر بومی خود وثوق الدوله برادر قوام السلطنه، بر مردم ایران تحمیل کند. شخص وثوق الدوله، نخست وزیر، نصرت الدوله وزیر خارجه و صارم الدوله وزیر دارائی کابینه وی در تن دادن به خیانت قبول قرار داد سال ۱۹۱۹، رشوه کلانی از انگلستان دریافت داشته بودند. اما توده های زحمتکش و نیروهای آزادیخواه در اطراف و اکناف کشور با این قرارداد استعماری سرسختانه مخالفت ورزیده و با مبارزات پیگیرانه خود، سبب شکست مقاصد استعماری انگلستان در ایران شدند. در نتیجه مخالفت شدید افکار عمومی، قرار داد اسارت بار ۱۹۱۹ که ایران را به مستعمره انگلیس مبدل می کرد، به کلی بی

اثر ماند.

+++++

اما این وضع دیری نه پائید و دولت سلطه طلب انگلیس، برای رسیدن به مقاصد آزمندانه خود و بسط نفوذ استعماری در ایران، طرحی دیگر اندیشید و نقشه ای دیگر کشید. کودتای سید ضیا و رضا خان میر پنج در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ شمسی، چیزی جز توطئه جدید دولت بریتانیا برای جبران شکست سال ۱۹۱۹ و تسلط بلامنزاع بر شئون اقتصادی و سیاسی ایران، نبود. برای جلوگیری از انتشار اندیشه های سوسیالیستی در ایران، گسترش دامنه نفوذ سیاسی و اقتصادی در این کشور و حفاظت از چاه های گران بهای نفت جنوب، انگلستان به دولتی مرکز گرا، مقتدر و آزادیکش نیاز داشت. اسناد و مدارک غیر قابل انکار، دخالت مستقیم امپریالیسم انگلیس را در به قدرت رساندن رضا خان میر پنج، افسر بریگاد قزاق، به ثبوت می رساند. قدرت نمائی و دیکتاتوری رضا خان به مدت ۲۰ سال، دوام داشت. در سال ۱۳۰۴ شمسی، سلطنت قاجارها با رای مجلس فرمایشی پنجم که اکثر نمایندگان آن توسط رضا خان دست چین شده بودند، منقرض گردیده و بدنبال آن، رضا خان میر پنج رئیس قشون و نخست وزیر، با رای مجلس موسسانی دست نشانده، مقام سلطنت را از آن خود، ساخت.

+++++

دوران شانزده ساله سلطنت استبدادی رضا شاه، دوران زورگوئی و خود کامگی و تمرکز هرچه بیشتر قدرت سیاسی بود. در تمام این مدت، مجلس شورای ملی بازیچه دست شاه مستبد بود و نمایندگان دست نشانده مجلس، کاری جز اجرای فرامین و دستورات رضا شاه، نداشتند. در فاصله بین سقوط سلطه محمد علی شاه و کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، متاثر از انقلاب مشروطه، جنبش ها و قیام های دموکراتیک ترقی خواهانه ای در اطراف و اکناف کشور به وقوع پیوست که قیام جنگل در گیلان، قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان و قیام کلنل محمد تقی خان پسپان در خراسان، مهم ترین آن ها بود. قیام دموکراتیک شیخ محمد خیابانی در فروردین ماه سال ۱۲۹۹ شروع و در ۲۲ شهریور ماه همان سال، با کشته شدن رهبر با شهامت این قیام آزادیخواهانه که نماینده مجلس دوم و از مخالفین سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ بود، خاتمه یافت. مسئول قتل شیخ محمد خیابانی، مخبر السلطنه والی آذربایجان بود که در ظاهر



را در شرایط مشخص، در میدان انقلابی، در میان توده ها توانم می آموزد و بکار می گیرد. در این زمینه با نقد گذشته و کمبود های جدا از پراکتیک اجتماعی عمل کردن ها یاد آور شدیم که درستی جنبش های کارگری ایران امروز در اینست که پیشروان انقلابی پرولتاریا اش تنگاتنگ با طبقه اند و جزوی از آنند و تئوری را با شرایط مشخص تلفیق میدهند. نمونه ای از آنها شاهرخ زمانی است که جان خود را درست برای پیاده کردن این روش کار بی دریغ فدا کرد ولی همانطور که در خاک سپاریش جوانان کارگر که از اقصاء نقاط ایران گرد آمده بودند، فریاد زدند " راه ما راه شاهرخ است " راهش همچنان ادامه دارد

هویت چهارم آلترناتیو کارگری ایران امروز باید روشنگر و ستیزه جو تواماً باشد "

\*\*\*\*\*

با توجه به چهار نکته بالا ضروریست به جستجوی عملکرد طبقه کارگر، احزاب و سازمان های طرفدار طبقه کارگر ایران و کل حرکت جنبش های ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری بپردازیم و در خطوط کلی در یابیم راستی ها و کژی ها در کجا بوده و امروز چه اقداماتی لازم است تا بتوان در پرتو هویت آلترناتیو کارگری ایران وسیعتری توده های مردم ایران را در حول آن متشکل کرد و نظام سرمایه داری حاکم را بر انداخت.

زادگاه طبقه کارگر ایران سرزمینی است تاریخی با هزاران سال جدال طبقاتی، هزاران جنگ های محلی و در زمان خودش جهانی، خیزش و سقوط امپراتوری ها، جنگ های طایفه ها، قومها و ملتها، برخورد تمدن ها و ادیان و مذاهب. صاحب ادبیاتی که سر در اسطوره های تمدن های اولیه بشر دارد، زبان هایش به هزاران سال قدمت بر می گردد. پدر و مادرانشان آهنگران، بنایان، رنجبرانی هستند که در عمل به گفته هگل اندیشیدن را به بشریت آموختند. طبقه کارگر ایران در سرزمینی تکامل یافت که در هر ده کوره های دراربستی از بافندگی استوار بود و مردمانش روی فرش

تولید پیشرفته بدست انسان می نشستند، بر دریایی از طلای سیاه می خوابیدند. فرش و پارچه های زربفت برای اعیان و اشراف اروپایی می بافتند. این طبقه با این گذشته در دورانی بعنوان کارگر مدرن سرمایه داری، پا به عرصه وجود گذاشت که اروپای صنعتی شده احتیاج به مواد خام ایران داشت و در جستجوی بازار برای فروش تولیدات صنعتی خود بود. سرمایه

خصوصی بر ابزار تولید و شیوه جمعی تولید بجایی رسیده که شرایط عینی تغییر انقلابی را فراهم ساخته است. در نتیجه یاد آور شدیم که طبقه کارگر ایران دیگر به درجه ای از رشد رسیده که همین امروز این وظیفه تاریخی را در مبارزه طبقاتی جامعه بعهده دارد. یعنی کارگران ایران گورکنان سرمایه داری نظام کنونی حاکم ایران اند و وظیفه حزب انقلابی پیشرو طبقه اینست که مشی عمومی سیاسی خود را بسیج متشکل کردن وسیعترین نیروهای ستمدیده و استثمار زده بدور آلترناتیو کارگری برای انقلاب سوسیالیستی قرار دهد. این دومین شناسنامه و هویت آلترناتیو کارگری است.

" گور کن سرمایه داری حاکم ایران کنونی " سوم

در سومین بخش ضمن تاکید بر اصل اساسی ماتریالیسم تاریخی و شرایط جامعه ایران که طبقه کارگر به آلترناتیو واقعی براندازی سرمایه داری حاکم تبدیل شده است یاد آور شدیم بورژوازی در یک صبحگاهی و بطور خود بخودی قدرت را ترک نخواهد کرد، پرولتاریا مجبور است برای بر اندازی آن متشکل شود، حزب سیاسی پیشرو خود را بوجود آورد و طی راهپیمایی طولانی، سخت و بغرنجی در مسیر اوج گیری انقلاب جهانی و در همسویی با آن به پیروزی رسد. این واقعیت را طبقه کارگر ایران در این صد ساله بخوبی آموخته است. صاحبان سرمایه در ایران ادامه دهندگان اجداد هزاران ساله اند و دین و سیاست را با معجونی از خرافات بهم پیوند داده اند که توده های افیونی را به جانبازان ضد کمونیست و ضد طبقه کارگر تبدیل کنند. در نتیجه مبارزه طبقه کارگر ایران و پیشروان آن آگاهند که راه طولانی، سخت و بغرنجی را هنوز باید طی کنند در نتیجه سومین هویتش سخت کوشی، با درایت بودن و شتابزده عمل نکردن است:

" گورکن سرمایه داری ایران در مسیری سخت، بغرنج و طولانی ".

چهارم

در چهارمین بخش به ویژگی های جنبش کارگری ایران پرداختیم و توضیح دادیم کمونیزم علمی است که روشننگری را با ستیزه گری همراه و همسو جلو می برد و قدرتش در تلفیق می باشد. علمی است که فرایند تکاملی اش مدیون حرکت از پراکتیک به تئوری و از تئوری به پراکتیک می باشد. اصول عام

از هواداران مشروطه و در باطن، از دشمنان کینه توز آزادی و دموکراسی بود. کلنل محمد تقی خان پسیان که در خراسان پرچم مبارزه آزادیخواهانه را بر افراشته و دست به قیام علیه دولت مرکزی فاسد زده بود، به دستور قوام السلطنه نخست وزیر وقت و تحریکات و کینه ورزی وی، در دهم مهر ماه سال ۱۳۰۰، در جنگ های خونین با ایلات، کشته شد. به دنبال کودتای امپریالیستی سوم اسفند، یکی از اقدامات نخستین رضا خان سردار سپه، سرکوب جنبش ضد استعماری جنگل بود. در بخش پایانی جنبش مسلحانه جنگل که در سال ۱۹۱۵ میلادی تحت رهبری میرزا کوچک خان از مشروطه خواهان بنام در جنگل های شمال آغاز شده بود، کمونیست ها و دیگر نیروهای چپ، فعالانه شرکت داشتند. اختلافات حل نشدنی بین طرفداران میرزا کوچک خان و نیروهای چپ و کمونیست و قتل انقلابی شهیر، حیدرخان عمو اوغلی در نتیجه توطئه ای که به احتمال زیاد میرزا کوچک خان در طرح آن شخصا دست داشت، توسط نزدیکان میرزا، یکی از علل اصلی شکست جنبش پر قدرتی بود که به مدت ۷ سال دوام داشت و علیه انگلیسی ها و روس های تزاری، می جنگید.

ادامه دارد

## درباره هویت آلترناتیو ... بقیه از صفحه آخر

که در این چهار دهه زیر سلطه ی سیاست نئولیبرالیستی جامعه را به لبه پرتگاه اضمحلال و سقوط سوق داده است و نتیجه گرفتیم که تنها راه نجات به میدان آمدن گورکنان است که لاشه متعفن این سرمایه داری را از میان بر دارد و به گور سپارد. چنین است اساسی ترین و برجسته ترین نام پرافتخار طبقه کارگر و آلترناتیو سیاسی آن:

" گورکن سرمایه داری ".

دوم

در دومین بخش بنا بر بنیاد علمی کمونیسم که مارکس و انگلس به درستی از تاریخ مبارزه طبقاتی جهان بیرون کشیدند و نقش تاریخی گورکنان را براساس علم ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک تشریح کردند، نشان دادیم با تمام حرامزاده گی سرمایه داری ایران و پشتیبانان جهانی اش اما تضاد میان مالکیت





آلترناتیو کارگری ایران در برابر نظام سرمایه داری حاکم به وظیفه کلیه نیروهای کارگری و سوسیالیستی تبدیل شده است. دیر یا زود جنبش کارگری ایران همه گرایشها را در عمل محک سنجش خواهد زد. سره را از ناسره دنباله رو آلترناتیو های بورژوازی و خرده بورژوازی را از آلترناتیو کارگری جدا خواهد کرد. طبقه کارگر و توده های وسیع ستمدیدگان و استثمار شدگان انتخاب خود را خواهند کرد.

محسن رضوانی خرداد ۱۴۰۰

بیکاری و فقر دامن گیر کل جامعه است. بحران ساختاری سرمایه در کلیه زمینه ها از فرهنگی گرفته تا بهداشت و محیط زیستی به بدترین شکلی خود را نشان میدهد. جامعه سرمایه داری ایران به لبه پرتگاه رسیده است و بحران سیاسی حاکم و تضاد های درونی خود دیگر جایی برای نجات خود نگذاشته است. درست بدین علت است که نقش گورکن سرمایه هر روز در این دو دهه اخیر برجسته تر خود را نشان داده است. چنانچه بدین اوضاع شکست و ورشکستگی سرمایه داری جهانی را هم اضافه کنیم آنوقت می توانیم تاکید کنیم دوران تاریخی نوینی برای طبقه کارگر ایران و نیروهای متحد آن فراهم شده است که رو یا های پدران و اجداد خود را به یک واقعیت اجتماعی تبدیل کنند.

اول ماه مه ۱۴۰۰ یکبار دیگر بی پرده و با بازتاب یک جمع بندی تاریخی هویت آلترناتیو کارگری را باز نگری کرد.

گورکن نظام سرمایه داری است

در پی نظامی بدون ستم و استثمار است

آگاه است باید متشکل شود، سراسری شود، از یک استراتژی انقلابی پیروی کند

از اول ماه مه تا بحال مبارزات کارگری همانند سال قبل گسترش بیشتری یافته و نشانی از راه مستقلى است که در پیش گرفته است

حزب رنجبران ایران سالهاست برای ایجاد چنین جنبش عظیم کارگری و دیگر جنبش های توده ای و اتحاد سراسری آنها مبارزه می کند. هویت آلترناتیو کارگری ایران با توجه به چهار نکته بالا حکم می کند نه تنها ستیزه گر، روشنگر باشد و از آنجا که هدف اش یک انقلاب اجتماعی رادیکال است ضروریست از پشتیبانی وسیع ترین توده های ستمدیده و استثمار شده برخوردار گردد. در نتیجه حزب رنجبران ایران طبق درک اصولی خود از کمونیسم علمی و با توجه به کلیه جنبش های توده ای کشورمان در این شصت و هفتاد ساله پسا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، همچنان برای ایجاد حزب سیاسی پیشرو طبقه کارگر، حزبی انقلابی و در عمل گورکن نظام سرمایه داری، از طریق یکی شدن احزاب و سازمان های کمونیستی بر اساس اصول و برنامه و در پیوند با جنبش های کارگری و توده ای داخل کشور مبارزه می کند. امروز اوضاع با رشد جنبش کارگری در ایران برای علاج بیماری گروهی گری و سکتاریستی بهتر می شود. امروز تلاش همه جانبه برای رشد و گسترش

داری شکل گرفته در اروپا در اوایل قرن نوزده صد سال بعد در دوران تکاملش به انحصارات و رقابت های امپریالیستی و تبدیل ایران به کشوری نیمه مستعمره به ایران وارد شد. در نتیجه کارگران در صنایع ایجاد شده در جنوب ایران با شرکت های خارجی مثل انگلیس ها اولین دست و پنجه های مبارزاتی را نرم کردند. یا صد هزار نفری از آنها در کارخانه های امپراتوری روسیه بعنوان کارگران مهاجر به تولید مشغول شدند و چون در آنجا انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ بوقوع پیوست در این انقلابات با کارگران بومی همراه شدند و مبارزه مشترکی را به پیش بردند. این دو ویژگی از همان آغاز طبقه کارگر ایران را به یک طبقه آشنا با پیشرفته ترین ابزار تولید یعنی استخراج و تصفیه نفت در خوزستان و کرمانشاه و با مبارزه انقلابی و تئوری انقلابی در روسیه تزاری تبدیل کرد. چنین است این زادگاه طبقه کارگر ایران و محیط اجتماعی رشد آن. درست بدین دلایل عینی و ذهنی است که قادر می شود صد سال پیش ده ها تشکلات مستقل خود را بوجود آورد و درست با تکیه به استخوانبندی کارگری اولین حزب کمونیست ایران را در خارج از اروپا، در شرق عقب نگه داشته شده بوجود آورد. حزبی که در همان حرکت سیاسی اولیه اش با ایجاد اتحادی با جنبش جنگلی ها اولین شورای سوسیالیستی را خارج از روسیه در گیلان مستقر کند و نیروهای انگلیس ها را از منطقه فراری دهد. از این جا به بعد و تا به امروز مبارزه طبقه کارگر و نیروهای برخاسته از میان آن و متحدانش در جدالی میان مرگ و زندگی همچنان ادامه یافته است. در این صد سال سرمایه داری ایران با مشت دیکتاتوری سیاه خود با کمک اربابان جهانی اش قادر شده است سلطه خود را همچنان با مکیدن خون توده های وسیع مردم زحمتکش ادامه دهد.

اما امروز این طبقه صد ساله که از کوچک به بزرگ تبدیل شده است، با دست توانای خود چرخ تولید یک جامعه نود میلیونی را می چرخاند، زنان و معلمان و اکثریت روشنفکران جامعه، بیکاران و بازنشستگان را همراه و هموند شده است و در مقابل سرمایه داری کاملاً شکست خورده و اکثریت عظیم مردم به این واقعیت تاریخی آگاهی یافته اند. امروز سرمایه داری ایران به مثابه یک نظام اجتماعی کاملاً فرو ریخته، قدرت سیاسی حاکمیتش تبدیل به یک دستگاه نظامی اداری مشتی غارت گر و دزد و مافیایی شده است.

به تاریخچه های اینترنتی

حزب رنجبران ایران

مراجعه کنید

سایت حزب رنجبران

[www.ranjbaran.org](http://www.ranjbaran.org)

سایت آینه روز

[www.ayenehrooz.com](http://www.ayenehrooz.com)

با قدر دانستن کمترین مال  
رفقا و دوستان به حزب، ذکر  
لایح نکته را ضرور مردانیم  
که تکمیل مال حزب به اعضا  
و توده ها در پیشبرد مبارزه  
طبقه، روش انقلابی و  
پرولتاریا است در حفظ  
استقلال سازمان و جد  
نسخه از طبقه کارگر و توده ها



## تجدید حیات ایده آل سوسیالیست - جان بلامی فاستر

شود. ویژگی های اصلی "امپراتوری هرج و مرج" امروز، از جمله سیستم افراطی استثمار امپریالیستی که توسط زنجیره های کالاهای جهانی به راه افتاده است، به این موارد اضافه شده است. در ادامه نابودی دولت لیبرال-دموکراتیک نسبتاً پایدار با ظهور نئولیبرالیسم و نئوفاشیسم؛ و ظهور عصر جدید بی ثباتی هژمونیک جهانی همراه با افزایش خطرات جنگ نامحدود پیش می رود.

بحران آب و هوا نشان دهنده آنچه اجماع علمی جهان از آن به عنوان وضعیت "بدون

هرگونه برخورد جدی با تجدید سوسیالیسم امروز باید با تخریب خلاقانه سرمایه داری در بنیان های موجودیت اجتماعی آغاز شود. از اواخر دهه ۱۹۸۰، جهان درگیر دوره ای از سرمایه داری فاجعه بود، که به عنوان انباشت فاجعه قریب الوقوع در هر طرف به دلیل عواقب ناخواسته "ناگوار سرمایه" تعریف شده است. سرمایه داری فاجعه به معنا امروزه در همگرایی (۱) بحران زیست محیطی سیاره ای، (۲) بحران اپیدمیولوژیک جهانی و (۳) بحران اقتصادی جهان که پایان نمی یابد، آشکار می

تجدید حیات ایده آل سوسیالیست - جان بلامی فاستر  
۰۵ اکتبر ۲۰۲۰

این مقاله نسخه اصلاح شده و گسترده ای از یک سخنرانی است که در تاریخ ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۲۰ ارائه شد، و در جلسه پایانی (انجمن اصلی) هفتمین مجمع "جنوب - جنوب" در مورد پایداری: تغییر اقلیم، بحران های جهانی و بازسازی جامعه کنفرانس / وینار، توسط لائو کین چی و سیت تسوی از طریق دانشگاه لینگنان در هنگ کنگ برگزار شد.

## مروری بر یک قرن مبارز و سرکوب

سرکردگی سید ضیاء طباطبائی و رضا خان میر پنچ، تمهیدی امپریالیستی جهت انقیاد کامل ایران توسط دولت استعماری بریتانیا بود. با مبادرت به کودتا، امپریالیسم انگلیس این هدف سلطه گرانه را پیش می برد که شکستی را که در ماجرای تحمیل قرارداد سال ۱۹۱۹ متحمل شده بود، جبران کرده و رژیم دست نشانده در ایران بر سرکار بیاورد. سید ضیاءالدین طباطبائی که در همراهی با رضا خان سرکرده قشون قزاق در راس کودتای سوم اسفند قرار داشت، مدیر روزنامه "رعد" و از نوکران جیره بگیر انگلستان بود که ماه به

نداشته و از ستمگران کینه توز خارجی و داخلی، هراسی به دل، راه نداده اند. +++++  
دولت استعماری انگلیس که از تحمیل قرار داد اسارت بار سال ۱۹۱۹ میلادی به مردم ایران سودی نبرده بود، برای پیشبرد مقاصد آزمندانه خود از در دیگر وارد شده، با توسل به کودتائی امپریالیستی در صدد تحکیم هرچه بیشتر مواضع اقتصادی و سیاسی خود در کشور پهناوری در همسایگی هندوستان برآمد. در آن زمان، هندوستان مهم ترین مستعمره انگلستان، محسوب می گردید. کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ شمسی به

مروری بر یک قرن مبارزه و سرکوب در ایران!  
حسن جداری تاریخ سیاسی یک قرن گذشته در ایران، از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، آغاز می گردد. در این نوشته کوتاه، بر تاریخ مبارزات خونین خلق های ایران در یک قرن گذشته و سرکوب و بیداد گری های دشمنان آزادی که خیزش ها و عصیان های توده های زحمتکش به دنبال داشته، نگاهی می افکنیم. تداوم حرکت های آزادیخواهانه در ایران در طول صد سال گذشته به روشنی نشان می دهد که کارگران و زحمتکشان این سرزمین، هرگز دست از مبارزه در راه رهایی خود بر

## درباره هویت آلترناتیو کارگری

زاده است، تخم و ترکه دوران انحصارات کشور های صنعتی شده ی اروپایی و امپریالیستهاست. دورانی که سرمایه داری به مرحله گنبدگی و انحطاط رسیده است. نشان دادیم که سرمایه داری ایران درست بخاطر این گذشته وابسته، سست بنیاد است. رابطه آنرا با سرمایه داری جهانی شکافتیم و یاد آور شدیم چون کل جهان سرمایه داری را بحرانی ژرفتر از هر زمان پیشین فرا گرفته است، سرمایه داری ایران

کارگری چند نکته اساسی را یک به یک مورد توجه قرار دادیم. اینجا با جمع بندی آنها به شناسایی بیشتر آن می پردازیم و هویت طبقه ای را که می رود انقلاب در حال شدن ایران را دارد تدارک می بیند بشناسانیم. \*\*\*\*\*  
یکم  
در اولین بخش سرمایه داری ایران از جنین تا دوره بلوغ را دنبال کردیم و یاد آور شدیم حرام

آلترناتیو کارگری ایران دارای یک هویت تاریخی، ملی، سراسری و انقلابی است. نامش با طبقه ای ستیز جو، با افتخار و با درایت در صد سال گذشته حک شده و تواناست به خواست اکثریت عظیم مردم ایران امروز پاسخی عملی، قابل تحقق دهد و زمینه را برای ایجاد جامعه ای خالی از ستم و استثمار انسان از انسان، آن آرزوهای دیرینه بشریت، فراهم سازد.  
ما در یادداشت های پیشین، در باره آلترناتیو

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس عرّفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org